

## **Ecological Intensity of Well-being, A New Approach to measuring Sustainable Development in Iran**

**Zahra Rouhani Neghab<sup>\*</sup>, Taghi Ebrahimi Salari<sup>\*\*</sup>  
Narges Salehnia<sup>\*\*\*</sup>, Mehdi Jabbari Nooghabi<sup>\*\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

Sustainability is basically an exchange challenge that shows environment is under pressure to improve the human's quality of well-being. Some of the introduced indicators, such as ecological footprint, environmental sustainability, environmental performance and human development, have received more attention. However, the lack of a comprehensive index that considers both economic and environmental criteria to measure sustainability can be seen. This subject seems to have been considered in the ecological intensity of well-being. Dietz, Rosa and York first introduced the index in 2012, defining it as the per capita pressure imposed on the environment for each unit of human well-being to measure sustainable development. For the first time in Iran, this study calculates the value of this index for the years 1996 to 2017 for Iran and predicts it for the years 2018 to 2022 using ARMA models and R software. The results show that despite the increase in the ecological footprint over the past three decades, the value

\* PhD. Student, Energy Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran,  
zahra.rouhanineghab@mail.um.ac.ir

\*\* Associate Professor, Department of Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran,  
(Corresponding author), ebrahimi@um.ac.ir

\*\*\* Assistant professor, Department of Energy Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad,  
Iran, n.salehnia@um.ac.ir

\*\*\*\* Associate Professor, Department of Statistics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran,  
jabbarinm@um.ac.ir

Date received: 16/08/2022, Date of acceptance: 26/09/2022



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

of the EIWB has been almost halved, which indicates the improvement of life expectancy during this period.

**Keywords:** Ecological Intensity of Well-being, Sustainability, Ecological Footprint, Iran, Well-being

**JEL Classification:** O1, O2, Q4, Q5

## شدت اکولوژیکی به زیستن، رویکردی نوین در سنجش توسعه پایدار در ایران

زهرا روحانی نقاب\*

تقی ابراهیمی سالاری\*\*، نرگس صالح‌نیا\*\*\*، مهدی جبّاری نوقایی\*\*\*\*

### چکیده

پایداری اصولاً چالشی مبادله‌ای است که نشان می‌دهد انسان به خاطر بهبود کیفیت به زیستن بر محیط زیست فشار تحمیل می‌کند. از میان شاخص‌های معرفی شده برخی هم‌چون شاخص ردپای اکولوژیکی، پایداری محیط‌زیست، عملکرد محیط‌زیست و توسعه انسانی، از توجه بیشتری برخوردار بوده‌اند. با این وجود، کماکان فقدان شاخصی جامع که معیارهای اقتصادی و زیست‌محیطی، هر دو را برای سنجش پایداری در نظر بگیرد، به چشم می‌خورد. به این خلا در «شاخص شدت اکولوژیکی به زیستن»<sup>۱</sup> (EIWB) توجه شده است. دایتز، روزا و یورک در سال ۲۰۱۲ برای اولین بار این شاخص را معرفی و آن را به عنوان سرانه‌ی فشاری که به ازای هر واحد به زیستن انسان به محیط زیست تحمیل می‌شود، برای سنجش توسعه پایدار، تعریف می‌کنند. این شاخص همزمان به فشار وارد بر محیط زیست و تغییر در کیفیت زندگی انسان توجه می‌کند. برای اولین بار در ایران، مطالعه حاضر مقدار این شاخص را برای

\* دانشجوی دکتری گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران،

zahra.rouhanineghab@mail.um.ac.ir

\*\* استاد گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران (نویسنده مسئول)،

ebrahimi@um.ac.ir

\*\*\* استاد گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران، n.salehnia@um.ac.ir

\*\*\*\* استاد گروه آمار، دانشکده علوم ریاضی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران، jabbarinm@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴



سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۷ برای ایران محاسبه و برای سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ با استفاده از مدل‌های ARMA و نرم‌افزار R پیش‌بینی می‌کند. نتایج نشان می‌دهند که علی‌رغم افزایش ردپای اکولوژیکی در طی حدود سه دهه گذشته، مقدار شاخص EIWB تقریباً نصف شده است، که حاکی از بهبود وضعیت امید به زندگی در طی این دوره بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** پایداری، ردپای اکولوژیکی، به‌زیستن، شاخص شدت اکولوژیکی به‌زیستن، ایران.

طبقه‌بندی JEL: O1, O2, Q4, Q5

## ۱. مقدمه

در قرون گذشته جوامع بشری با بهره‌گیری از فرآیندها و تئوری‌های توسعه، با رویکردی شتابان به دنبال دستیابی به جامعه‌ای توسعه‌یافته و مدرن بوده‌اند. استفاده از منابع طبیعی به عنوان یکی از منابع تولید همواره از ارکان اساسی فعالیت‌های توسعه‌محور در این مسیر بوده است. اگرچه در ابتدای مسیر پیامدهای بیرونی (Externalities) منفی حرکت در مسیر توسعه که بیشتر آن‌ها مربوط به مشکلات زیست‌محیطی می‌باشد از چشم بشر دور مانده است، اما مشاهده‌ی شدت اثرات آن بر زندگی انسان در قرن اخیر لزوم توجه به این مساله را خاطر نشان می‌سازد.

با مروری اجمالی بر تئوری‌ها و نظریات اقتصادی درمی‌یابیم که اقتصاد منابع طبیعی به عنوان یکی از مهم‌ترین اجزاء تولید در بخش صنعت، از جمله عوامل تسهیل‌کننده‌ی فرآیندهای بخش خدمات، یک عامل رفاهی در بخش خانگی و نیز یک ابزار سیاستی و سیاسی کلیدی و تعیین‌کننده در سطوح اقتصاد ملی و بین‌المللی جوامع محسوب می‌شود. بسیاری از اقتصاددانان محیط زیست بر این باورند که با وجود نقش مهم منابع در بهبود شرایط زندگی در کشورها، مصرف این منابع مشکلات سلامتی و زیست‌محیطی ایجاد کرده است که نمی‌توان به آن بی‌توجه ماند (میر (Mayer) (۲۰۱۴)). جوامع بشری با مصرف منابع از طریق فعالیت‌های توسعه‌محور اثرات مخربی بر محیط زیست وارد کرده‌اند که این فرآیندها به نوبه‌ی خود پارادوکسی در این زمینه در دنیا پدید آورده است. در واقع منابع طبیعی از سویی به عنوان پیش‌نیازی برای یک زندگی مدرن، توسعه اقتصادی و توسعه انسانی شناخته می‌شود و از سوی دیگر، پیامدهای بیرونی دارد (مین و راثو (Min & Rao) (۲۰۱۷)).

روبرویی جوامع با این مساله، یعنی فعالیت‌هایی که از طرفی برای یک زندگی خوب و به زیستن (Well-being) اساسی و ضروری هستند و از سوی دیگر با آن تیشه به ریشه‌ی محیط زیست و در واقع خودشان زده‌اند، نه تنها توجه اقتصاددانان بلکه طرفداران محیط‌زیست، سیاست‌گذاران و نیز سیاست‌مداران را به خود جلب کرده‌است. جرد دایاموند (Diamond Jared) برنده‌ی جایزه‌ی پولیتزر، در کتاب فروپاشی<sup>۲</sup> (1396) نتایج منفی حاصل از این فعالیت‌ها را که مشکلات زیست محیطی به همراه داشته‌اند را به فرآیندهایی تعبیر می‌کند که یا جوامع بشری از گذشته با آن روبرو بوده و یا در دوران اخیر ایجاد شده‌است. او فرآیندهایی که از گذشته تاکنون انسان به دلیل فعالیت‌هایش با آن روبرو بوده‌است را به هشت گروه جنگل‌زدایی و تخریب زیست‌بوم، معضلات خاکی (فرسایش (Erosion)، شور شدن خاک و کاهش حاصل‌خیزی (fertility))، مسائل مدیریت آب، شکار بیش از حد (Over Hunting)، ماهی‌گیری فراتر از نیاز (Over Fishing)، تاثیر گونه‌های جدید بر گونه‌های بومی، رشد جمعیت انسانی و افزایش تاثیر سرانه‌ی مردم (ردپای اکولوژیکی)، تقسیم می‌کند و در ادامه عنوان می‌کند که دسته‌ی دیگری از این فرآیندها نیز امروزه به مشکلات زیست محیطی افزوده شده‌است. تغییرات آب و هوایی، انباشت مواد شیمیایی سمی در محیط زیست، کمبود انرژی و بهره‌برداری کامل انسان از ظرفیت فتوسنتتیک (Photosynthetic capacity) زمین (اکسیژن‌زایی گیاهان ناشی از فتوسنتز) را در زمره‌ی معضلات جوامع امروزی ذکر می‌کند که به این فرآیندها افزوده می‌شوند (دایاموند، ۱۳۹۶، صص ۸۹-۱۱۰).

توجه انسان به محیط زیست و درک لزوم به کارگیری سیاست‌های مورد نیاز برای حفظ آن، منجر به مطرح شدن مفهوم پایداری (Sustainability) توسط اقتصاددانان، بوم‌شناسان و طرفداران محیط زیست در سال‌های ۱۹۵۰ شده‌است که در سال‌های بعد از آن به بسیاری از علوم دیگر نیز وارد شده‌است. هم‌چنین از بعد سال‌های ۱۹۷۰ تاکنون فعالیت‌های بی‌شماری در قالب برگزاری اجلاس‌ها و نیز مطالعات علمی قابل توجه در این زمینه شکل گرفته‌است. کنفرانس توسعه و محیط زیست سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو به عنوان اولین مجمع بین‌المللی و توافقنامه اقلیمی پاریس نیز که می‌توان از آن به عنوان آخرین فعالیت بین‌المللی در این زمینه نام برد، از مهم‌ترین این فعالیت‌ها می‌باشند که به تعریف مفهوم پایداری و ارائه راه حل برای دسترسی به توسعه پایدار که آن را با پایداری یکسان در نظر می‌گیرند، پردازند.

پزی (Pezzy) (۱۹۸۵) ۶۰ تعریف را در این زمینه ذکر کرده است و بیان می‌کند که یکی از بهترین مفاهیم ارائه شده از پایداری را می‌توان گزارش معروف برانت‌لند (Brundtland) (۱۹۸۷) دانست. این مفهوم که تعریف موردنظر مطالعه حاضر نیز می‌باشد، توسعه‌ای را پایدار می‌داند که در آن نیازهای نسل حاضر را بدون آسیب رساندن به نیازهای نسل آینده تامین کند. کولا (Kula) (۱۳۹۳) و پیرس و همکاران (Pearce et al.) (۱۹۹۰) اظهار داشته‌اند که گزارش برانت‌لند باعث شهرت مفهوم توسعه پایدار در بین متخصصین شده و راه را برای اصلاحات دیگر باز کرده است و وین پنی (Winpenny) (۱۹۹۱) اشاره می‌کند که تعریف مناسب از توسعه پایدار را می‌توان به صورت هدف مقدس اقتصاد محیط‌زیست دانست.

بعد از توجه به پایداری و تعریف آن، در سال ۱۹۹۶ شاخصی تحت عنوان ردپای اکولوژیکی (Ecological Footprint) برای اندازه‌گیری آن مطرح شد (یورگنسون (Jorgenson) (۲۰۰۷)). ردپای اکولوژیکی میزان فشار (Stress) ناشی از مصرف منابع طبیعی توسط انسان بر محیط زیست است که شامل مصرف انرژی، مصرف محصولات جنگلی، مصرف محصولات کشاورزی و دامداری، مصرف محصولات دریایی و مقدار زمین استفاده شده برای فضای زندگی و زیرساخت‌ها می‌باشد (دایتز و همکاران (Dietz et al) (۲۰۰۹)). لذا برای دستیابی به توسعه پایدار لزوم توجه به ردپای اکولوژیکی در کنار بهبود کیفیت زندگی انسان از مبانی مهمی است که ریس (Rees) استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا و واکرناگل (Wackernagel) و دیگر دانش‌آموختگان این دانشگاه در سال ۱۹۹۶ مطرح می‌کنند.

بعد از مطرح شدن ردپای اکولوژیکی مطالعات قابل توجهی در این زمینه انجام می‌شود و نظریه‌ی ریس و واکرناگل مورد بررسی بیشتر و تایید قرار می‌گیرد. در این بین می‌توان به مطالعاتی هم‌چون کیتزس و همکاران (Kitzes et al.) (۲۰۰۷)، وایدمن و همکاران (Wiedmann et al.) (۲۰۰۶) و واکرناگل (Wackernagel) (۲۰۰۲ و ۲۰۰۴) اشاره نمود. ورود ادبیات مربوط به ردپای اکولوژیکی به اقتصاد محیط زیست و توجه هم‌زمان به کیفیت زندگی انسان، منجر به ایجاد مفهوم جدیدی در این حوزه توسط دایتز و همکاران (Dietz et al.) (۲۰۱۲) به نام «شدت اکولوژیکی به‌زیستن انسان» می‌شود. مقاله آن‌ها برای اولین بار این مفهوم را ارائه می‌دهد و آن را به عنوان سهم سرانه‌ی ردپای اکولوژیکی به امید به زندگی در بدو تولد، تعریف می‌کند. در واقع «شدت اکولوژیکی به‌زیستن انسان» سرانه‌ی فشاری است که به ازای هر واحد به‌زیستن (بهبود کیفیت زندگی) (Well-Being) انسان به محیط زیست تحمیل می‌شود.

درواقع این طور به نظر می‌رسد که این مطالعه با محاسبه‌ی شاخص جدید شدت اکولوژیکی به‌زیستی، به دنبال مطرح کردن ادبیات جدیدی در زمینه توسعه پایدار می‌باشد. هنوز مطالعات محدودی در این زمینه به چشم می‌خورد که به مطرح کردن و استفاده از این شاخص جدید پرداخته باشند. مقالات مایر (2017) که با عنوان «نهادهای دموکراتیک و شدت انرژی به‌زیستی» به بررسی اثر نهادهای سیاسی بر شاخص شدت اکولوژیکی به‌زیستی می‌پردازد و نیز پژوهش یورگنسون و دایتز (2015) با عنوان «رشد اقتصادی شدت اکولوژیکی به‌زیستی انسان را کاهش نمی‌دهد»، که اثر رشد اقتصادی را بر شدت اکولوژیکی بررسی می‌کنند، از زمره مطالعاتی هستند که در این زمینه مطرح شده‌اند.<sup>3</sup>

همانطور که در مقالات متعددی که دایتز و همکارانش در این زمینه ارائه داده‌اند اشاره شده است، وضعیت اندازه‌گیری پایداری مشکل دارد و هیچ مجموعه شاخصی وجود ندارد که مورد پذیرش جهانی باشد که دارای پشتوانه نظری قانع‌کننده بوده، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها برای آن دقیق و در دسترس باشد و همچنین تاثیرگذار در سیاست‌گذاری‌ها باشد. بیشتر تلاش‌ها برای عملیاتی کردن توسعه پایدار بر توسعه رفاه انسانی با پایدار نگاه داشتن زیست کره، متمرکز است. از این رو، همانطور که توسط پاریس و کیتس (Pariss & Kates) (۲۰۰۳) اشاره شد، اقدامات توسعه پایدار باید آنچه را که قرار است پایدار بماند و نیز آنچه را که باید توسعه یابد، در نظر بگیرد. لذا آنها سعی دارند در شاخص شدت اکولوژیکی به‌زیستی این تمرکز را اتخاذ کنند. (دایتز و همکاران، ۲۰۰۹، ۱۱۵).

این طور به نظر می‌رسد که در معرفی شاخص جدید تمامی شاخص‌های گذشته ارزیابی شده و سعی شده است محدودیت‌های شاخص‌های گذشته رفع شود، تا پیشرفت سریع‌تری حاصل آید. برای مثال در شاخص پایداری زیست محیطی (ESI) مؤلفه‌های سیستم زیست محیطی شامل معیارهایی از کیفیت هوا (شامل معیارهای غلظت SO<sub>2</sub> شهری، غلظت NO<sub>2</sub> شهری و غلظت ذرات معلق کل شهری)، کمیت آب، کیفیت آب، تنوع زیستی و مقدار زمین تحت تأثیر فعالیت‌های انسانی، است. این تلاش‌ها برای توسعه معیارهای سنجش پایداری ارزش زیادی در جمع‌آوری و ارزیابی داده‌های موجود دارد. اما چندین مشکل در این رویکرد وجود دارد (پاریس و کیتس (۲۰۰۳)). اول، به عنوان یک تجزیه و تحلیل دقیق از داده‌ها در اسناد گزارش شاخص پایداری زیست محیطی ۲۰۰۲، داده‌های گمشده زیادی وجود دارد (آبایومی و همکاران (Abayomi et al.) (۲۰۰۲)). داده‌ها عموماً در میان کشورهای ثروتمند کامل است زیرا آنها معمولاً سیستم‌های گزارش آماری توسعه یافته‌ای دارند، در واقع محاسبه

برای کشورهای کمتر توسعه یافته در بیشتر مواقع ممکن است مشکل ساز باشد. دوم، استفاده گسترده از متغیرهایی که فقط در سال‌های اخیر در دسترس هستند به این معنی است که هرگز نمی‌توان مجموعه داده‌ها را در زمان به عقب گسترش داد و بنابراین، اگر هدف یک اقدام پایدار و کمک به نظارت و برنامه‌ریزی برای آینده باشد، مشکلی نیست. اما برای تحلیل مقایسه‌ای و علی، این مساله مهمی است.

ثالثاً، معیارهایی که در مقیاس‌های کل و در نهایت شاخص پایداری ترکیب می‌شوند، معمولاً برای اهداف دیگر جمع‌آوری می‌شوند، و برای بسیاری از آنها یک اجماع بین‌المللی در مورد نحوه جمع‌آوری و جدول‌بندی داده‌ها وجود ندارد. در نتیجه، چنین شاخص‌هایی در برابر تغییرات در نحوه تعریف و جمع‌آوری اقدامات مستقیم توسط سازمان‌هایی که آنها را توسعه می‌دهند آسیب‌پذیر هستند. لذا هرچه مؤلفه‌های اندازه‌گیری بیشتر باشد، احتمال اینکه تغییرات در مؤلفه‌ها قابلیت مقایسه را در طول زمان از بین ببرد، بیشتر می‌شود.<sup>۳</sup> با توجه به ویژگی‌های عنوان شده‌ی شاخص شدت اکولوژیکی به‌زیستن، سعی دارد با رفع محدودیت‌های دیگر شاخص‌ها، روشی مناسب با داده‌هایی قابل دسترس و اندازه‌گیری ارائه دهد که بتواند هم‌زمان از داده‌های سال‌های گذشته بهره‌برده و برای سیاست‌گذاری در آینده نیز کاربردی باشد.

بدون شک مسائل زیست‌محیطی و توجه به پایداری برای تمامی کشورها حائز اهمیت می‌باشد، اما اهمیت آن برای کشورهای در حال توسعه به خاطر شرایط نامناسبی که در زمینه مباحث زیست‌محیطی دارند بیشتر می‌باشد. برای اطلاع بیشتر در زمینه توسعه پایدار کشورها یکی از شاخص‌هایی که می‌توان به آن توجه کرد، شاخص اهداف توسعه پایدار (Index Sustainable Development Goals) معرفی شده توسط سازمان ملل از سال ۲۰۱۵ می‌باشد. با توجه به این شاخص کشورها می‌توانند خود را با سایر کشورهایی که در سطوح مشابهی از توسعه اقتصادی کلی هستند و نیز با کل جهان، از جمله بهترین و بدترین عملکردها مقایسه کنند. با توجه به این شاخص امتیاز هر کشور عددی بین ۰ تا ۱۰۰ می‌باشد و هر عدد نشان دهنده میزان درصد پیشرفت در جهت توسعه پایدار را نشان می‌دهد. براساس گزارش سال ۲۰۲۲ مربوط به این شاخص، ایران با ۶۸.۵۹ درصد رتبه ۸۸م را در میان ۱۵۷ کشور به خود اختصاص داده است (sdgindex.org).

عدد مربوط به این شاخص و نیز رتبه ایران نشان می‌دهد هنوز گام‌های زیادی در راستای دستیابی به توسعه پایدار موردنیاز است. انجام مطالعات و بررسی بیشتر مباحث مرتبط با



توسعه پایدار و پایداری، ارائه راهکارهایی برای دستیابی به شرایط بهتر زیست محیطی از جمله اقداماتی است که می‌توان انجام داد. لذا با توجه به خلای که در این زمینه در میان مطالعات موجود مشاهده شده، این مطالعه قصد دارد تا به بیان، بررسی و محاسبه این شاخص برای اولین بار در ایران، پردازد. لذا در ادامه ابتدا در بخش ادبیات موضوع مبانی نظری و پیشینه‌ای از مطالعات مربوطه ارائه خواهد شد. شاخص‌های توسعه پایدار در بخش سوم تبیین می‌شوند. بخش چهارم روش محاسبه شاخص شدت اکولوژیکی به زیستن و محاسبه آن برای ایران را گزارش می‌کند. در نهایت به ارائه جمع‌بندی و پیشنهادات در بخش پایانی پرداخته می‌شود.

## ۲. ادبیات موضوع

این روزها توسعه پایدار به کلیدواژه‌ای پرتکرار در هر دو دنیای دانشگاهی و تجاری تبدیل شده است. پایداری در دهه‌های گذشته از مقالات دانشگاهی و برنامه‌های درسی دانشکده‌ها تا اتاق‌های هیئت مدیره مقامات محلی و شرکت‌ها و دفاتر روابط عمومی ارائه شده است. در واقع متأسفانه، پایداری در تئوری به یک مفهوم مد روز تبدیل شده است، اما اجرای آن توسط شرکت‌های بزرگ، دولت‌های محلی یا ملی بسیار پرهزینه است. آنچه کمتر بدان پرداخته شده است، تکامل مفهوم پایداری است. اگرچه ممکن است تاریخچه و تکامل یک مفهوم بی‌اهمیت به نظر برسد، اما می‌تواند به ما در پیش‌بینی روندها و نقص‌های آینده کمک کند. این مساله همچنین به ما کمک خواهد کرد تا اطمینان حاصل کنیم که قرن ۲۱ "قرن پایداری" خواهد بود (الکینگتون (Elkington) (۱۹۹۷، ص ۱۸)). در ادامه سعی شده است تا مروری بر روند شکل‌گیری توسعه پایدار و ریشه‌های آن در میان تئوری‌های مطرح اقتصادی و همچنین شاخص‌های اندازه‌گیری آن داشته و انتقادات وارده بیان شوند.

## ۱.۲ مبانی نظری روند شکل‌گیری و ردپای تاریخی اقتصاد محیط‌زیست و

### توسعه پایدار

برخی از مهم‌ترین مبانی اقتصاد محیط‌زیست را در نوشته‌های اقتصاددانان کلاسیک می‌توان یافت، هر چند پایه‌های اصلی اقتصاد محیط‌زیست از زمان اقتصاددانان نئوکلاسیک به بعد پی‌ریزی شده است (پرمن و دیگران، ۱۳۹۴). هایلبرونر (۱۳۹۳) در کتاب بزرگان اقتصاد<sup>۴</sup> عنوان می‌کند همان‌طور که مساله رشد دست کم به زمان آدام اسمیت (Adam Smit) بازمی‌گردد

و شناخت قدرت و دستیابی به بازرگانی بزرگ و گسترده از مارکس ریشه گرفته است، مالتوس (Maltous) به اهمیت موضوع محیط زیست توجه می کند زیرا در پس فلسفه تیره و تار او این عقیده نهفته بود که ما کم کم این خاک حاصل خیز را از دست می دهیم. این درحالی است که برخی آن را به نوشته های آدام اسمیت استناد می دهند. لذا در سیر تاریخی اقتصاد محیط زیست، می توان اقتصاددانان کلاسیک هم چون اسمیت، مالتوس، ریکاردو (Ricardo) و استوارت میل (John Stuart Mill) را پایه گذاران اصلی و اولیه اقتصاد محیط زیست دانست.

تا اواخر قرن ۱۹ اقتصاد کلاسیک مورد تعرض نظریاتی قرار گرفت که بعدها به عنوان اقتصاد نئوکلاسیک معروف شد. به طور کلی نظریات نئوکلاسیکها منجر به تاکید و توجه بیش تر بر ساختار و اهمیت کارایی به جای فعالیت اقتصادی شد و سطح فعالیت های اقتصادی و رشد آن مورد غفلت آنها واقع شده است (پرمن و همکاران، ۱۳۹۴). بعد از آن، دو پژوهش دیگر در ادامه فعالیت نئوکلاسیکها انجام می شود که بخش مهمی از اقتصاد نوین محیط زیست را نتیجه می دهد: نظریه تعادل عمومی نئوکلاسیکها توسط والراس (Walras) و نظریه تعادل جزئی آلفرد مارشال (Marshall Alfred) (مارشال، ۱۸۹۰، صص ۲۸-۴۰).

هم زمان با تحولات انجام شده در میان اقتصاددانان که به برخی از آنان همچون مارشال، والراس، ریکاردو و... اشاره شد، در سال های بعد از ۱۹۵۰، اصول و مبانی اساسی فیزیک و بیولوژی نیز در توسعه دانش بوم شناختی و نظام نوین علوم زیستی نقش مهمی برعهده می گیرد. مسئله پایداری اکوسیستمها در مرکز توجه قرار می گیرد و علوم ذکر شده نیز در ارتباط با کاربردهای مختلف اصل تعادل مواد، به نحو جدی در اقتصاد محیط زیست وارد شده اند. تمام دیدگاه های جدید در مجموع به محدودیت های رشد تاکید داشته و برای اولین بار احتمال اینکه یک فرآیند نتواند پایدار باشد، در قالب سه نظریه اخلاقی، اکولوژیکی و اقتصادی مطرح می شود. لذا تعاریف زیادی برای پایداری مطرح می شود که پنج دسته زیر می تواند آنها را دربر بگیرد:

- وضعیت پایدار وضعیتی است که در آن مطلوبیت در طول زمان رو به کاهش نباشد.
- وضعیت پایدار وضعیتی است که در آن مصرف در طول زمان رو به کاهش نباشد.
- وضعیت پایدار وضعیتی است که در آن منابع به نحوی مورد بهره برداری قرار گیرند که فرصت های تولید برای آیندگان حفظ شود.

شدت اکولوژیکی به زیستن ... (زهراروحانی نقاب و دیگران) ۷۱

- وضعیت پایدار وضعیتی است که در آن منابع به نحوی مورد بهره‌برداری قرار گیرند که درآمد پایدار از به‌کارگیری منابع حفظ شود.

- وضعیت پایدار وضعیتی است که حداقل شرایط برای ثبات اکوسیستم‌ها و توانایی مقابله اکوسیستم با شوک‌ها را در طول زمان فراهم کند. (پرمن و همکاران، ۱۳۹۴، صص ۱۰۰-۱۰۵)

با بررسی دقیق این تعاریف این‌طور مشاهده می‌شود که این تعاریف لزوماً تعاریفی متضاد نیستند و حتی می‌توان برخی از آن‌ها را در یک وضعیت خلاصه نمود؛ اما به‌طور خلاصه، همان‌طور که بیان شد پزی بیان می‌کند که یکی از بهترین مفاهیم ارائه‌شده از پایداری را می‌توان گزارش معروف برانت لند (Brundtland) (۱۹۸۷) دانست که در آن توسعه‌ای را پایدار می‌داند که در آن نیازهای نسل حاضر را بدون آسیب رساندن به نیازهای نسل آینده تأمین کند. در واقع این‌طور به نظر می‌رسد که بر سر این تعریف در میان مطالعات اجماع نظر وجود دارد. لذا مطالعه حاضر نیز با توجه به مقاله دایتز و دیگران (۲۰۱۲) که شاخص ردپای اکولوژیکی به زیستن را معرفی می‌کنند و این تعریف را مدنظر قرار داده‌اند، از این تعریف برای پایداری بهره می‌برد.

از سوی دیگر با مطرح‌شدن مفاهیم پایداری و توسعه پایدار از دهه ۱۹۷۰ توجه به پایداری در قالب برنامه‌های سیاسی در سطح ملی و بین‌المللی به‌ویژه برپایی سلسله همایش‌های بین‌المللی نیز آشکار شد. اجلاس سازمان ملل متحد در استکهلم درباره محیط‌زیست انسانی منجر به ایجاد برنامه زیست‌محیطی سازمان ملل متحد و مجموعه‌ای از سازمان‌های ملی حفاظت از محیط‌زیست در بسیاری از کشورها می‌شود. کنفرانس توسعه و محیط‌زیست سازمان ملل متحد (United Nations Environmental Programme (UNEP)) در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو که به نام کنفرانس زمین شناخته‌شده است، بزرگ‌ترین کنفرانسی است که تاکنون تشکیل شده است که حقوق و تعهدات جمعه بین‌الملل و کشورها رو نسبت به محیط‌زیست اعلام می‌کند.

در نهایت در سال ۲۰۱۵ توافق‌نامه پاریس با توجه به تحولات به وجود آمده در نتیجه مذاکرات و توافقات گذشته، شکل می‌گیرد. در این رویداد تمامی کشورها از جمله تولیدکنندگان سوخت‌های فسیلی متعهد به کاهش گازهای گلخانه‌ای می‌شوند. این توافق‌نامه اعضا را متعهد می‌کند که از سال ۲۰۲۰ اجرای مفاد آن را به منظور جلوگیری از تاثیر گسترده فعالیت‌های مخرب انسانی بر سیستم آب و هوایی، در برنامه‌های خود قرار دهند.

لذا بعد از مطرح شدن مفهوم پایداری یا توسعه پایدار از دهه ۷۰ میلادی بیشتر تلاش‌ها برای یافتن مفهوم و بسط آن در غالب اجلاس‌ها و کنفرانس‌ها شکل گرفته است. به مطالعات شکل گرفته در این زمینه در بخش پیشینه تحقیق پرداخته می‌شود و بخش دیگر تلاش‌ها که در زمینه اندازه‌گیری توسعه پایدار بوده در بخش "اندازه‌گیری پایداری" ارائه می‌شود.

## ۲.۲ اندازه‌گیری پایداری

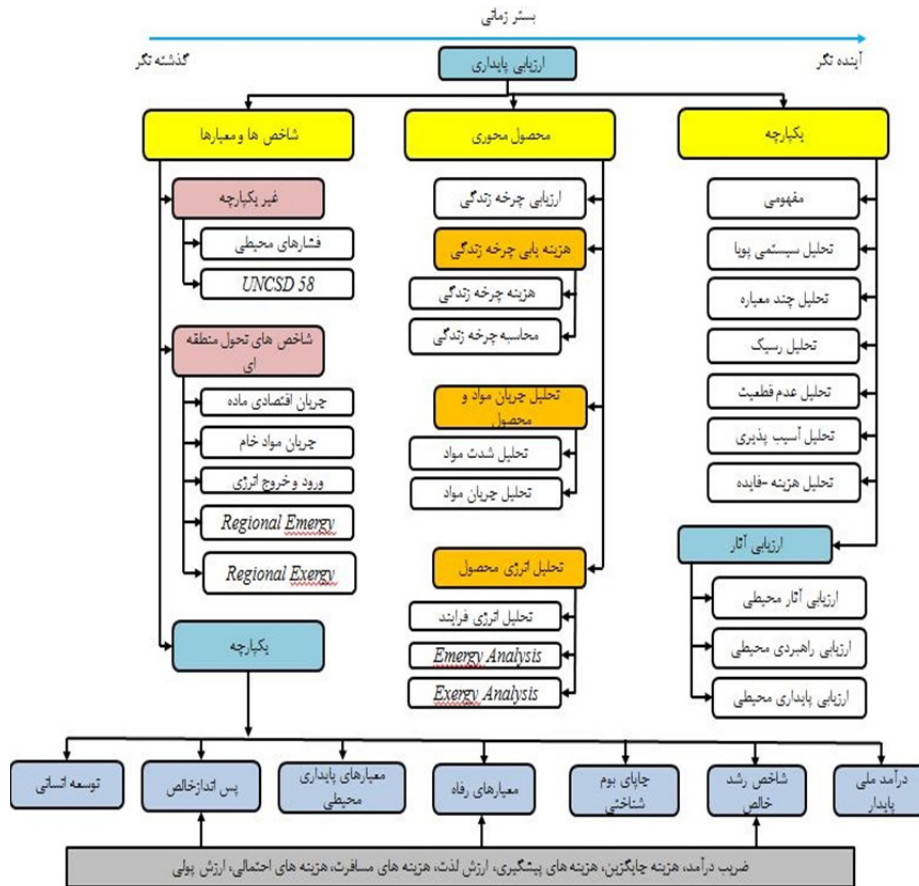
پس از ارائه مفهوم پایداری، مساله دستیابی به آن مورد توجه قرار می‌گیرد. دسترسی به پایداری نیازمند اندازه‌گیری و ارزیابی می‌باشد. لذا یکی از مباحث عنوان شده در این سال‌ها نحوه اندازه‌گیری پایداری می‌باشد. در این زمینه تاکنون چندین شاخص معرفی شده‌اند و ابزارهای ارزیابی پایداری در حال افزایش می‌باشد. برای شیوه‌های ارزیابی پایداری طبقه‌بندی‌های متعددی صورت گرفته است که یکی از آنها تقسیم‌بندی سینگ و همکاران (Sing et al.) (۲۰۰۹) است که در زیر ارائه می‌شود.

۱) **ارزیابی پایداری بر اساس شاخص‌ها (Indicators/Indices):** برای ارزیابی پایداری در این رویکرد از یک یا چند شاخص و الگو استفاده می‌شود. این شیوه، اقدامات ساده و اولیه‌ای برای ارزیابی را در نظر دارد که غالباً به صورت کمی به منظور بیان وضعیت اقتصادی، اجتماعی و یا توسعه محیطی در سطح منطقه‌ای و ملی به کار گرفته می‌شوند. در مواردی نیز چندین شاخص با یکدیگر ترکیب و پایداری از طریق شاخص‌ها و معیارها اندازه‌گیری و محاسبه می‌شود به طوری که روند آن از گذشته تا حال پیگیری و در نهایت با درک این روند، امکان بینشی کوتاه مدت برای تصمیمات مرتبط با آینده ایجاد می‌شود (نسا و همکاران، ۲۰۰۷).

۲) **ارزیابی پایداری تولیدمحور (Product Related):** شیوه‌ای از ارزیابی زیست‌محیطی است که عمدتاً به برآیند پایدار بودن فعالیت‌ها و اقدامات اجرایی توجه دارد و بیش‌تر در حوزه‌های زیست‌محیطی و اقتصادی کاربرد دارد. در مجموع در این شیوه جریان‌های مرتبط با تولید و مصرف کالا و خدمات و نتایج زیست‌محیطی آن‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در واقع در این روش، میزان استفاده از منابع و اثرهای زیست‌محیطی در طول زنجیره تولید و یا از طریق چرخه عمر محصول ارزیابی می‌شود. هدف اصلی در این شیوه، شناسایی ناکارآمدی سطوح مختلف برنامه‌ریزی، مدیریت و اجرا و نیز شناسایی خطرهای ناشی از اثرهای زیست‌محیطی است که نتیجه آن کمک به تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری برنامه‌های توسعه‌ای می‌باشد.

۳) **ارزیابی یکپارچه پایداری (Integrated):** این شیوه، روی ابزارها و شیوه‌هایی از ارزیابی متمرکز می‌شود که کل سیستم را به لحاظ پایدار بودن در ابعاد مختلف آن مورد سنجش قرار می‌دهد. این شیوه از ارزیابی، برخلاف دو شیوه قبلی، یکپارچه و سیستمی است که به دلیل همه جانبه‌نگری، پروژه‌محور است و می‌تواند در سطح محلی و منطقه‌ای کاربرد داشته باشد. در این چارچوب، ابزارهای ارزیابی یکپارچه روی برنامه‌ریزی تمرکز دارند و اغلب اشکالی از طرح‌های مختلف را با خود به همراه دارند بسیاری از ابزارهای ارزیابی یکپارچه مبتنی بر روش تجزیه و تحلیل سیستمی و یکپارچه شامل ابزارهایی گسترده برای مدیریت مسائل پیچیده است (شکل شماره یک).

در این شکل، که از مقاله سینک و همکاران (۲۰۰۹) استخراج شده و در بسیاری از مطالعات از جمله در کتاب جمعه پور (۱۳۹۲) به آن اشاره شده است، مفاهیم زیادی ارائه شده است که این مفاهیم و فرم اولیه این شکل در مقاله بری و همکاران (Barry et al.) (۲۰۰۷)، مشاهده می‌شود. بسیاری از عناوین به فارسی برگردانده شده‌اند به جز دو مفهوم Energy و Exergy. در توضیح این دو عنوان اینطور گفته شده است که: "تجزیه و تحلیل انرژی می‌تواند با استفاده از روش‌های مختلف اندازه‌گیری انرژی انجام شود همانند Energy و Exergy. هر دوی این شکل‌های تحلیل جزو روش‌های پیشرفته‌تر تحلیل هستند زیرا هم کیفیت و هم کمیت انرژی را در نظر می‌گیرند. اگر انرژی یک سیستم حداکثر مقدار کار مکانیکی است که می‌توان استخراج کرد. تجزیه و تحلیل انرژی یک نمای کلی از اثربخشی استفاده از منابع ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که در کجا تلفات رخ می‌دهد، و در کجا می‌توان پیشرفت‌های تکنولوژیکی برای افزایش بهره‌وری انرژی انجام داد." در ادامه توضیح می‌دهند که مثال‌های زیادی از این تحلیل‌های منطقه‌ای انرژی و امرژی در سوئد، ژاپن و آمریکا انرژی و امرژی وجود دارد که همه منابع برای بهبود شرایط بهره‌وری انرژی به کار گرفته شده‌اند. (بری و همکاران، ۲۰۰۷، صص ۵۰۱ و ۵۰۲)



شکل ۱. چهارچوب یکپارچه ارزیابی پایداری منبع:سینگ و همکاران،۲۰۱۲

هر یک از روش های سنجش پایداری نیازمند به کارگیری ابزارهایی برای جمع آوری داده ها هستند؛ به طوری که با یافتن این ابزارها طریقه تعیین و انتخاب معیارها و شاخص ها امکان پذیر می شود. انتخاب معیارها و شاخص ها بر حسب هدف و رویکرد مطالعه و ابزاری که برای سنجش پایداری انتخاب می گردد متفاوت است و دامنه و سطح پوشش مختلفی دارد. از طرفی با توجه به تفاوت دیدگاه ها و به موازات تکوین و تکامل پارادایم توسعه پایدار و به دنبال آن تعریف و شناسایی شاخص های توسعه پایدار، روش های گوناگونی برای اندازه گیری و سنجش شاخص های توسعه پایدار مطرح شده است.. (سینگ و همکاران، ۲۰۰۹، صص ۱۹۷-۱۹۹)

شدت اکولوژیکی به زیستن ... (زهرا روحانی نقاب و دیگران) ۷۵

امروزه شاخص‌های مختلفی برای ارزیابی پایداری به وجود آمده و در مسیر دستیابی به توسعه پایدار در ابعاد مختلف اقتصادی-اجتماعی و زیست‌محیطی بسط و گسترش یافته‌اند. یکی از مهم‌ترین آنها، شاخص‌های ارزیابی زیست‌محیطی هستند که هر چند از پشتوانه نظری قوی و علمی برخوردارند، اما در عمل با موانع و چالش‌های فراوانی مواجه هستند.

یکی از دست‌بندی‌هایی که به نظر جامع‌تر و نزدیک‌تر به موضوع این مطالعه می‌رسد، تقسیم‌بندی محمود جمعه پور در کتاب برنامه‌ریزی محیطی و پایداری شهری و منطقه‌ای می‌باشد. این کتاب، شاخص‌های پایداری را به ۷ دسته زیر تقسیم نموده است:

۱- شاخص‌های توسعه:

الف- شاخص توسعه انسانی

ب- شاخص رفاه پایدار و اقتصادی

۲- شاخص‌های مبتنی بر اقتصاد و بازار

الف- پس انداز واقعی و خالص

ب- تولید خالص ملی سبز

۳- شاخص‌های مبتنی بر اکوسیستم

الف- شاخص عملکرد پایداری

ب- روش شناسی بوم شاخص

ج- شاخص سیاره زنده

د- ردپای اکولوژیکی

۴- شاخص پایداری مبتنی بر محصول

الف- شاخص چرخه زندگی

ب- شاخص پایداری مورد، محصول اروپا

۵- شاخص‌های توسعه پایدار برای شهرها

الف- شاخص پایداری شهری

ب- شاخص پایداری برای تایپه (تایوان)

ج- شاخص توسعه شهر

د- شاخص جهت‌یاب پایداری

ه- شاخص پایداری شهرها

و- شاخص عملکرد اکوسیستم شهری

ز- شاخص عملکرد محیط زیست

ح- شاخص آسیب پذیری محیط زیست

۶- شاخص‌های محیط زیست برای صنعت

الف- قطب‌نمای زیست محیطی

ب- شاخص اکولوژیک

۷- شاخص‌های اجتماعی و کیفیت زندگی

شاخص جامعه پایدار (جمعه‌پور، ۱۳۹۲، صص ۲۲۱-۲۲۸)

در ادامه برخی از این شاخص‌ها که در حیطه کشوری محاسبه می‌شوند و بر اهمیت آن‌ها بیشتر تاکید شده‌است، به صورت مختصر توضیح داده می‌شود و به شاخص شدت اکولوژیکی به‌زیستن در بخش بعدی به طور مفصل اشاره می‌شود.

## ۱.۲.۲ شاخص توسعه انسانی (HDI)

شاخص توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ به عنوان مقیاس جدیدی از توسعه و اندازه‌گیری آن جوامع در نظر گرفته شد. این شاخص مبتنی بر این ایده اساسی است که لازمه دستیابی به زندگی بهتر، علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. در واقع HDI یک اندیکس ترکیبی خالص است که متوسط موفقیت یک کشور را در سه جنبه اساسی توسعه اندازه می‌گیرد: طول عمر، دانش و استاندارد مناسب زندگی. طول عمر با امید به زندگی در بدو تولد اندازه‌گیری می‌شود، دانش با ترکیبی از نرخ باسوادی بزرگسالان و نسبت ثبت نام خالص ترکیبی از آموزش ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی (میانگین سال‌های تحصیل) اندازه‌گیری می‌شود و استاندارد زندگی با GDP سرانه و یا درآمد اندازه‌گیری می‌شود. مقدار شاخص توسعه انسانی عددی بین صفر و یک است و با توجه به این شاخص کشورهای جهان به ۴ دسته تقسیم می‌شوند: کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا ( $HDI > 0.9$ )، کشورهای با توسعه انسانی بالا



شدت اکولوژیکی به زیستن ... (زهراروحانی نقاب و دیگران) ۷۷

(0/8 < HDI < 0/9)، کشورهای با توسعه انسانی متوسط (0/5 < HDI < 0/8) و کشورهای با توسعه انسانی پایین (HDI < 0/5) (علیخانی و همکاران، ۱۳۸۹).

### ۲.۲.۲ شاخص پایداری محیط زیست (ESI)

این شاخص میزان تلاش کشورها در جهت مدیریت محیط زیست و ظرفیت جوامع جهت ارتقاء عملکرد زیست محیطی به سمت شاخص های دستور کار ۲۱ توسعه پایدار را نمایان می نماید. رتبه بندی و امتیازدهی (ESI) با مقایسه موضوع هایی در قالب ۵ گروه شامل نظام های محیط زیستی، کاهش فشارهای محیط زیستی، کاهش آسیب پذیری انسانی، ظرفیت های اجتماعی - نهادی و نظارت جهانی در قالب ۲۱ شاخص و ۷۶ متغیر صورت می گیرد (ستوده، پوراصغر سنگاچین، ۱۳۹۱).

### ۳.۲.۲ شاخص عملکرد محیط زیست (EPI)

با ایرادهایی که گزارش پایداری محیط زیست (ESI) از سوی صاحب نظران و محققان سراسر جهان، به ویژه کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۰۵ مطرح شد، شاخص ها و متغیرها مورد بازنگری قرار گرفت و گزارش مزبور در سال ۲۰۰۶ با عنوان گزارش شاخص عملکرد محیط زیست (EPI) بر اساس متغیرها و شاخص های جدید منتشر شد. تفاوت این شاخص با شاخص پایداری محیط زیست، در محدودتر بودن متغیرها و تاکید بیشتر بر عملکرد کشورها در زمینه محیط زیست است. شاخص عملکردی محیط زیست بر دو هدف اصلی حفاظت از محیط زیست شامل کاهش فشارهای محیط زیستی بر سلامت انسان و ارتقای وضعیت زیست بوم ها و مدیریت صحیح منابع طبیعی تاکید دارد. این دو مولفه توسط ۱۶ شاخص در ۶ زمینه بهداشت محیط، کیفیت هوا، کیفیت منابع آب، کیفیت منابع طبیعی مولد، تنوع زیستی و زیست گاه و انرژی پایدار اندازه گیری می شوند. در این شاخص با تعیین اهداف نهایی و مطلوب کمی و تعیین فاصله هر کشور نسبت به آنها، امتیاز و رتبه هر کشور مشخص می شود. (دایتز و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۱۱۴).

#### ۴.۲.۲ شاخص آسیب‌پذیری محیط زیست (EVI)

شاخص آسیب‌پذیری محیط زیست در زمره اولین ابزارهای سنجش پایداری است که در دهه ۹۱ مطرح شده و به سرعت گسترش پیدا کرده‌است. این شاخص، شاخص عددی و بدون بعد است که وضعیت آسیب‌پذیری محیط زیست کشورها را نشان می‌دهد. هدف اصلی طرح این شاخص، ارائه روشی سریع و استاندارد برای تعیین آسیب‌پذیری کشورها در کلیه حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیست و شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین اقداماتی است که باید در هر یک از این حوزه‌ها برای دستیابی به توسعه پایدار انجام داد. برای ساختن این شاخص ترکیبی از ۵۲ شاخص فرعی استفاده می‌شود که از این تعداد، ۲۳ شاخص را شاخص‌های خطر، ۱ شاخص استواری و ۱۲ شاخص نیز با عنوان شاخص‌های خسارت وارده بر محیط‌زیست طبقه‌بندی می‌شوند. از نظر موضوعی نیز شاخص‌ها در قالب ۵ گروه متغیرهای آب و هوایی و اقلیمی، زمین‌شناسی، جغرافیایی، منابع و خدمات طبیعی و جمعیت انسانی طبقه‌بندی می‌شود (پور اصغر سنگاچین و همکاران، ۱۳۹۱).

#### ۵.۲.۲ شاخص ردپای اکولوژیکی

شاخص ردپای اکولوژیکی (جاپای بوم‌شناختی) از جمله شاخص‌هایی است که در سال‌های اخیر در سطح جهانی مطرح بوده و به عنوان معیاری برای نشان دادن وضعیت پایداری اکولوژیک استفاده شده‌است (جمعه پور، ۱۳۹۲). در اوایل دهه ۱۹۹۱، اصطلاح ردپای اکولوژیکی با عبارت آستانه تحمل مناسب نخستین بار در رساله دکتری ماتیس واکرناگل مطرح شد. سپس این اصطلاح توسط واکرناگل و ویلیام ریس (۱۹۹۶) در کتاب "ردپای اکولوژیکی شناختی ما: کاهش تاثیر انسان بر روی زمین" در مجامع علمی رایج شد.

برای پایداری بوم‌شناختی، مساله آستانه تحمل (ظرفیت برد) با طرح این پرسش اساسی مطرح شد که در صورت حفظ کارکرد کنونی اکوسیستم، آیا موجودی سرمایه طبیعی باقیمانده برای تامین منابع مصرفی و جذب ضایعات تولیدی نسل‌های آتی کافی است؟ به طور خلاصه، آیا به اندازه کافی آستانه تحمل انسان وجود دارد؟ آستانه تحمل عبارت است از حداکثر میزان جمعیت که یک منطقه می‌تواند بدون کاهش توانایی خود برای پشتیبانی گونه‌های مشابه در آینده حمایت کند. سرانجام، اینکه طبیعت تا چه حد قادر به تحمل فشار بشر است (بانوئی و همکاران، ۱۳۹۲).

## شدت اکولوژیکی به زیستن ... (زهراروحانی نقاب و دیگران) ۷۹

در روش رد پای اکولوژیکی، میزان نیاز سالیانه یک کشور، یک شهر و یا یک خانواده براساس مقدار زمین و دریای مولد (از نظر بوم‌شناختی) که با فناوری‌های موجود، تمامی نیازهای آن‌ها را به طور همیشگی تامین کند، محاسبه می‌شود. در واقع، این روش منطقه پشتیبان پایداری هر سکونت‌گاه انسانی را با آن سکونت‌گاه برآورد می‌کند. این برآورد نشان می‌دهد که به چه مقدار از سطح زمین و دریاها دارای قدرت تولید طبیعی، برای پاسخ به نیازهای حیاتی و سبک زندگی ساکنان آن‌ها نیاز است (ساسان پور، ۱۳۹۱: ۲۹۲).

امروزه، شاخص رد پای اکولوژیکی در بسیاری از کشورهای جهان در سطوح ملی و محلی استفاده می‌شود. این شاخص، روش یکپارچه مصرف منابع طبیعی و جذب ضایعات است و به طور روشنی نشان می‌دهد که در کدام ناحیه و کجا، بر منابع طبیعی فشار وارد می‌شود (سرایبی و زارعی فرشاد، ۱۳۸۸). این روش ابزاری است که به تدوین برنامه‌های درازمدت و پایداری زندگی یاری می‌رساند و نه تنها اهداف و راهبردهای آینده را در جلوگیری از تخریب‌ها و نابرابری‌های مادی بیان می‌کند، بلکه تصمیم‌گیری‌های نهادی را در مسیر و مجرای درستی هدایت می‌کند (ارجمند نیا، ۱۳۸۰). پیام اصلی رد پای اکولوژیکی، توسعه پایدار است که خود فراتر از تغییر شکلی ساده است. تغییر و تحول ساختاری و بنیادی در جامعه صنعتی، در گرو تغییر رویکرد همسو با ملاحظات بوم‌شناختی است (حسین‌زاده دلیر و ساسان‌پور، ۱۳۸۷).

این شاخص می‌تواند از این رو شاخص پایداری به شمار رود که ردپای اکولوژیکی هزینه‌های بوم‌شناسی تأمین تمام کالاها و خدمات جمعیت مصرفی انسان را محاسبه می‌کند و نشان می‌دهد که مردم، نه تنها به طور مستقیم برای تولیدات کشاورزی، احداث جاده‌ها، ساختمان‌سازی و غیره به زمین نیاز دارند، بلکه به طور غیر مستقیم نیز کالا و خدمات مورد نیاز انسان‌ها از زمین تأمین می‌شود. واحد اندازه‌گیری ردپای اکولوژیکی، هکتار جهانی است. هکتار جهانی با کمک دو عامل ارزیابی می‌شود: ضریب بازده که متوسط بازده ملی هر هکتار پهنه زمین را با متوسط بازده جهانی همان نوع زمین مقایسه می‌کند و فاکتور تعادل که بهره‌وری نسبی میان انواع مختلف پهنه‌های زمین و آب را نشان می‌دهد.

### ۶.۲.۲ شدت اکولوژیکی به زیستن انسان

یکی از شاخص‌هایی که اخیراً برای اندازه‌گیری پایداری معرفی شده است، شاخص «شدت اکولوژیکی به زیستن انسان» می‌باشد. این شاخص برای اولین بار توسط دایتز، روزا و

یورک (Dietz, Rosa & York) در سال ۲۰۱۲ و در تکمیل کار آن‌ها که در سال ۲۰۰۹ انجام شده است، ارائه می‌شود. آن‌ها شاخص شدت اکولوژیکی به‌زیستن را به عنوان سهم سرانه‌ی ردپای اکولوژیکی به امید به زندگی در بدو تولد، تعریف می‌کنند. از آن‌جا که شاخص مذکور، شاخص جدید مطرح شده و مورد بحث مطالعه حاضر می‌باشد در بخشی مجزا به طور مفصل به آن پرداخته می‌شود.

### ۳. پیشینه تحقیق

اگرچه مطالعات اندکی در زمینه شاخص جدید شدت اکولوژیکی به‌زیستن به چشم می‌خورد، اما در دهه‌های اخیر محققین بسیاری به مطالعه توسعه پایدار، بررسی عوامل موثر بر آن و ارائه شاخص‌های مربوط پرداخته‌اند. پیشینه تحقیق حاضر را به مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه پایداری و توسعه پایدار به طور مختصر و بیشتر مطالعات انجام شده در زمینه‌ی شاخص جدید و ردپای اکولوژیکی انسان که یکی از دوجزء مهم آن می‌باشد، اختصاص داده شده‌است. اولین مطالعه شکل گرفته در زمینه توسعه پایدار بعد از شکل‌گیری کمیسیون برانت‌لند، توسط هرمان دالی (Herman) (۱۹۹۰) می‌باشد. دالی در مقاله «به سوی برخی اصول عملیاتی توسعه پایدار» توضیح می‌دهد که با وجود اینکه اصطلاح توسعه پایدار در ادبیات مربوطه وارد شده است اما مفهوم آن هنوز مبهم باقی مانده‌است. او تفاوت بین رشد و توسعه را این‌گونه تشریح می‌کند:

رشد به معنای افزایش طبیعی در اندازه از طریق اضافه کردن به مواد اولیه تولید می‌باشد، در حالی که توسعه به معنای گسترش ظرفیت‌ها با دستیابی به یک موقعیت کامل‌تر، بزرگتر یا بهتر می‌باشد، پس به طور خلاصه رشد افزایش کمی در مقیاس فیزیکی است و حال اینکه توسعه بهبود کیفی می‌باشد.

بکرمن (Beckerman) (1992) به ارتباط بین رشد اقتصادی و محیط‌زیست با تاکید بر کشورهای در حال توسعه، می‌پردازد. در مطالعه بکرمن تضاد بین رشد و محیط‌زیست، رشد اقتصادی و محدودیت منابع، جدی بودن اثر گلخانه‌ای، هزینه‌های جلوگیری از گرم شدن کره زمین، مسئله رشد و محیط زیست در کشورهای در حال توسعه و بحران بین‌المللی محیط‌زیست، تحلیل می‌شوند. در نهایت بکرمن نتیجه می‌گیرد که رشد پایدار یا اصولاً به لحاظ اخلاقی غیرقابل دفاع است یا کاملاً غیر عملی است و در واقع رشد اقتصادی همواره مشکلات زیست محیطی به همراه دارد. ارو و همکاران (Arrow et al.) (1995) با دیدگاهی

خوشبینانه‌تر نسبت به بکرمن به بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و محیط‌زیست می‌پردازند و ارتباط بین فعالیت اقتصادی و ظرفیت دوام و انعطاف‌پذیری محیط زیست را تبیین می‌کنند. آن‌ها توضیح می‌دهند که دلیل این ادعا که افزایش درآمد و رشد منجر به افزایش کیفیت محیط‌زیست می‌شود وجود منحنی U شکل معکوس می‌باشد. در واقع برای کشورهای ثروتمند بعد از نقطه بیشترین، رشد منجر به توجه بیشتر به محیط‌زیست و صرف هزینه برای بهبود آن می‌شود. در واقع افزایش آلودگی به عنوان یک اثر جانبی رشد اقتصادی در مراحل اولیه آن در نظر گرفته می‌شود.

روبرت و گریمز (Roberts and Grimes) (1997) به نظر از اولین مطالعاتی می‌باشند که به بررسی کمی در زمینه توسعه پایدار پرداخته‌اند. مطالعه آن‌ها با معرفی منحنی کوزنتس که در سال ۱۹۹۳ توسط گروسمن و کروگر (Grossman & Krueger) برای بیان عدم برابری و توسعه مطرح شده است، رابطه بین شدت آلودگی دی‌اکسیدکربن و توسعه اقتصادی را برای سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۹۱ با استفاده از منحنی کوزنتس (Kuznets Curve) برای سه گروه کشور با درآمد پایین، متوسط و بالا بررسی می‌کنند. یکی از نتایج مهم این مطالعه این نکته است که محققین بیان می‌کنند عوامل سیاسی و اجتماعی دیگر در این رابطه باید وارد شوند تا وجود منحنی کوزنتس دقیق‌تر بررسی شود. داسگوپتا و همکاران (Dasgupta et al.) (2002) در مقاله «درمقابله با منحنی کوزنتس» به مروری انتقادی بر ادبیات مطرح شده در زمینه ارتباط بین توسعه اقتصادی و محیط‌زیست با تاکید بر منحنی کوزنتس می‌پردازند. آنها در دو بعد مسائلی که در مطالعات مربوط به منحنی کوزنتس وجود دارد و انتقاداتی که در زمینه این منحنی ارائه شده است، مباحث‌شان را تبیین می‌کنند.

در این دوران از اولین مطالعات داخلی که در زمینه توسعه پایدار به چشم می‌خورد مطالعه‌ی نظری حسن مطیعی لنگرودی (۱۳۸۰) می‌باشد. لنگرودی ضمن تشریح اهمیت توجه به رشد اقتصادی بیان می‌کند که رشد تنها وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف یعنی توسعه انسانی. او با مطرح کردن دیدگاه اسلام در خصوص عدالت اجتماعی، بین مفهوم توسعه و عدالت اجتماعی ارتباط برقرار می‌کند. او نتیجه می‌گیرد که برای رسیدن به توسعه و عدالت اجتماعی در جامعه، به انسان‌های تکنولوژیکی-اقتصادی دارای بینش‌های اجتماعی-فرهنگی نیاز می‌باشد. زیرا بهره‌وری‌های اقتصادی زمینه‌ساز رشد و ایجاد رفاه در جامعه می‌گردد و درحالی که در کنار آن، بینش فرهنگی، اجتماعی و سیاسی انسان‌ها به توسعه دست می‌یابد. فرزام و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای نظری و مروری به مقایسه تطبیقی-تحلیلی روش‌های

سنجش توسعه پایدار می‌پردازند. آنها با تاکید بر این نکته که از زمان پیدایش مفهوم پایداری هنوز اجماع کاملی در خصوص شاخص‌های تبیین‌کننده پایداری به وجود نیامده است شاخص‌هایی را که تاکنون معرفی شده‌اند، ارائه می‌دهند و در مرحله بعد با استفاده از روش تحلیل-تطبیقی و با استفاده از اطلاعات ۱۳۰ کشور، رابطه هرکدام از روش‌های اندازه‌گیری که در قالب شاخص‌های ترکیبی ارائه شده‌اند با استفاده از ضرایب همبستگی بین هرکدام از روش‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تعیین و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نقاط اشتراک و تفاوت‌های آن‌ها مشخص می‌شود. در این بررسی تبیین می‌شود که آن دسته از شاخص‌ها که بیشتر ارکان اقتصادی و اجتماعی توسعه پایدار را در کانون توجه خود قرار می‌دهند بر پایداری ضعیف و آن دسته از شاخص‌ها که از منظر پایداری زیست محیطی نگاه می‌کنند پایداری قوی را بررسی می‌کنند.

دسته دیگری از مطالعات که معرفی شاخص جدید را دربر دارند با مطالعه دایتز و همکاران (Dietz et al.) (2009) آغاز می‌شود. آنها در مقاله «بازنگری پایداری با ارتباط بین به‌زیستن انسان و اثرات زیست محیطی»، به دنبال پاسخی برای محاسبه پایداری هستند و بیان می‌کنند که یکی از نکاتی که در مطالعات به آن کمتر توجه شده است این موضوع می‌باشد که با استفاده از منابع اقتصادی، طبیعی و انسانی کارآمدی یک کشور در بهبود به‌زیستن انسان، اثرگذار می‌باشد. آن‌ها با استفاده از مدل به‌زیستی کارآمد (Efficient Well-being (EWEB) توجه را از اینکه آیا یک ملت پایداری دارد به اینکه یک ملت چقدر در تولید به‌زیستن برای انسان کارآمدی دارد تغییر می‌دهند که به نظر نویسندگان سوال موثرتر و قابل کنترل‌تری می‌باشد. این مطالعه برای ۱۳۵ کشور برای سال ۱۹۹۹ با استفاده از تابع تولید تصادفی Stochastic Frontier Production Model (SFPM) و روش حداقل مربعات معمولی برآورد شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کنترل سرمایه‌های فیزیکی و انسانی و بهره‌برداری از محیط‌زیست، اثرخالصی بر به‌زیستن ندارد. این مساله پیشنهاد می‌کند که بهبود در به‌زیستن می‌تواند بدون اثرات منفی بر محیط زیست بدست آید. هم‌چنین برای برخی کشورها نتایج نشان می‌دهد که امکان بهبود پایدار در کارآمدی با استفاده از منابع طبیعی و انسانی در راستای تولید به‌زیستن، وجود دارد.<sup>۵</sup>

دایتز و همکاران (Dietz et al.) (2012) در ادامه مطالعه‌ی سال ۲۰۰۹، با استفاده از مفهوم به‌زیستن و کارآمدی زیست محیطی، شاخص جدیدی ارائه می‌دهند و رابطه کوزنتس را بران آن بررسی می‌کنند. شدت زیست محیطی به‌زیستن انسان- Environmental intensity of human well-being (EIWB) که به عنوان نسبت ردپای اکولوژیکی سرانه هر ملت به متوسط امید به زندگی

در بدو تولد آن است معرفی می‌شود. شدت زیست‌محیطی به‌زیستن انسان، به جای محاسبه‌ی مقدار انرژی مصرف شده یا مقدار گاز گلخانه‌ای تولید شده به ازای هر واحد تولید ناخالص داخلی، مقدار فشار تحمیل شده بر محیط‌زیست به ازای هر واحد به‌زیستن انسان را محاسبه می‌کند. دایتز و یورگنسون (Dietz & Jorgenson) (2014) با نوشتن مقاله‌ای نظری با عنوان «به سوی دیدگاه جدیدی از توسعه پایدار: به‌زیستن انسان و فشار زیست‌محیطی»، با بهره‌گیری از مطالعات گذشته‌شان و اشاره به مقاله لمب و دیگران (Lamb et al.) (2014) به دنبال معرفی دیدگاه جدیدی برای شاخص پایداری می‌باشند. آن‌ها بیان می‌کنند که ارتباط بین به‌زیستن انسان و فشار فعالیت‌های اقتصادی بر محیط‌زیست همواره مرکز چالش‌های زیست‌محیطی بوده است. آن‌ها نشان می‌دهند که مجموعه متنوعی از کشورها می‌توانند به سطوح بالای به‌زیستن انسان دست یابند درحالی‌که فشار کمی بر محیط‌زیست تحمیل می‌کنند. یورگنسون و دایتز (Jorgenson & Dietz) (۲۰۱۵) در ادامه ادبیات موضوع جدیدی که برای معرفی شاخص جدید پایداری ارائه می‌دهند، شاخص شدت اکولوژیکی به‌زیستن را مطرح و اثر رشد اقتصادی بر آن را برای ۴۵ کشور در دو گروه کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه بررسی می‌کنند. این مطالعه برای سالهای ۱۹۶۱-۲۰۰۰ و سال ۲۰۰۳ برای ۱۴ کشور توسعه یافته و ۳۱ کشور کمتر توسعه یافته و با استفاده از رگرسیون سری‌های زمانی و مقطعی و هم‌چنین مدل خطای استاندارد شده تابلویی (Panel-corrected standard errors) (PCSE) برآورد انجام می‌دهد. نتایج کلی این مطالعه بیان می‌کنند که حرکت در جهت پایداری نمی‌تواند به عنوان یک محصول جانبی رشد اقتصادی در نظر گرفته شود. در عوض، پایداری نیازمند تلاش‌هایی از قبیل تغییر در الگوی مصرفی، تغییر تکنولوژی تولید و افزایش به‌زیستن انسان بدون افزودن بر فشار محیط‌زیستی، می‌باشد. در ادامه میر (Mayer) (۲۰۱۷) نقش نهادهای سیاسی را بر شاخص شدت اکولوژیکی به‌زیستی به عنوان شاخصی برای توسعه پایدار بررسی می‌کند. او از متغیرهای رقابت سیاسی، قانون‌گذاران انتخاب‌شده، مدیران انتخاب‌شده، هزینه‌های نظامی، صادرات مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر و تولید سرانه برای سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۸ استفاده می‌کند. نتایج نشان می‌دهند که مصرف انرژی فشار زیست‌محیطی را به طور قابل توجهی افزایش می‌دهد. هم‌چنین نتایج حاکی از این است که اثر خالص دموکراسی بر محیط‌زیست نزدیک به صفر است و هم‌زمان که منجر به افزایش کارایی نمی‌شود مقدار آن را نیز کاهش نمی‌دهد.

صفرعلی زاده و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه «تحلیل کارایی نسبی کشورهای خاورمیانه از لحاظ شاخص های توسعه پایدار»، به تحلیل کارایی ۱۳ کشور خاورمیانه طی سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ از طریق ۳۲ شاخص اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی می پردازند. روش انجام پژوهش توصیفی-تحلیلی و از نوع کاربردی است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از مدل های برنامه ریزی کمی خطی ناپارامتریک تحلیل پوششی داده ها، مدل آنتروپی شانون و نرم افزار slover dea استفاده شده است. در نهایت نتایج این پژوهش نشان می دهد بیش از ۶۰ درصد کشورهای خاورمیانه از لحاظ شاخص های توسعه پایدار دارای سطح عملکرد متوسط طی سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ هستند.

هیل و همکاران (Hill et al.) (2019) با بیان اینکه کیفیت هوا بر روی سلامتی افراد اثرگذار است، با بررسی مشکلات اقلیمی از جمله کیفیت هوا بر امید به زندگی افراد به عنوان شاخص به زیستن با در نظر گرفتن عدم برابری درآمدی می پردازند. نتایج حاکی از این است که ایالت هایی که دارای آلودگی بیشتر هستند دارای سطح امید به زندگی کمتری می باشند. نویسندگان در پایان اعلام می کنند که این تحقیق تنها دری به سوی مطالعات مربوط به بررسی اثرات کیفیت زیست محیطی و هوا بر به زیستن می گشاید و بررسی بیشتر این دسته از متغیرها و نیز سایر متغیرها از جمله سیستم های اقتصادی و سلامتی و محیط زیستی توصیه می شود. کاردوسو و دیگران (Cardoso et al.) (۲۰۲۰) به بررسی شدت اکولوژیکی به زیستن انسان در سطح محلی برای کشور برزیل می پردازند. آن ها برای ارزیابی اینکه چگونه دو عامل اجتماعی-اقتصادی (ثروت مندی و نابرابری درآمدی) روند EIWB را در ۵۵۶۴ شهرداری توضیح می دهد، از مدل های رگرسیون فضایی با مناطق و اندازه جمعیتشان استفاده کرده اند. یافته های این مطالعه نشان می دهد که مقادیر متنوعی از EIWB در سرتاسر برزیل وجود دارد. لذا ارزیابی EIWB در سطح محلی می تواند دیدگاه دقیق تری نسبت به چالش های مرتبط با توسعه پایدار در سطوح مختلف ژئوپلیتیک به تصمیم گیرندگان و ذینفعان ارائه دهد.

#### ۴. روش شناسی مطالعه

##### ۱.۴ محاسبه شاخص شدت اکولوژیکی به زیستن انسان

همان طور که عنوان شد شاخص ردپای اکولوژیکی به زیستن در سال های اخیر مطرح شده و به دلیل در نظر گرفتن اجزا مربوط به توسعه پایدار، به عنوان شاخصی برای سنجش آن عنوان



شده است. در واقع «شدت اکولوژیکی به زیستن انسان» سرانه فشاری است که به ازای هر واحد به زیستن (بهبود کیفیت زندگی) انسان به محیط زیست تحمیل می شود.

نویسندگان مقاله مذکور توضیح می دهند که این شاخص جدید با الگوبرداری از شاخص مربوط به شدت انرژی که حاصل تقسیم کربن و یا انرژی بر تولید ناخالص داخلی است، ساخته شده است. بدین ترتیب که به جای صورت میزان فشار و به جای مخرج کسر از به زیستن استفاده می کنند. برای میزان فشار از میزان نرمال شده ی ردپای اکولوژیکی و برای به زیستن از امید به زندگی در بدو تولد در رابطه ی نهایی، برای محاسبات کمی در این رابطه استفاده شده است. شاخص ردپای اکولوژیکی یکی از ارکان کلیدی این شاخص است که به تفصیل در بخش گذشته ارائه شده است.

دایتز و دیگران (Dietz et al.) (2009) رابطه ی محاسبه ی شاخص اکولوژیکی به زیستن را به شکل زیر ارائه می دهند:

$$EIWB = \left( \frac{EFPC+d}{LE} \right) \times 100 \quad (1)$$

که در آن:

EFPC ردپای اکولوژیکی سرانه

LE امید به زندگی در بدو تولد

$d$  کمیت مربوط به نرمال سازی شاخص است که به صورت زیر محاسبه می شود:

$$d = \left( \frac{s_f \times m_l}{s_l} \right) - m_f \quad (2)$$

اجزاء این کمیت  $m_f, s_f, m_l, s_l$  به ترتیب مقدار انحراف معیار شاخص امید به زندگی، میانگین شاخص امید به زندگی، انحراف معیار شاخص ردپای اکولوژیکی و میانگین شاخص ردپای اکولوژیکی سرانه می باشد.

در مطالعات بعدی به تکمیل مطالعاتشان و مطرح کردن این شاخص برای توسعه پایدار می پردازند (Dietz & Jorgenson). (2014). برای این شاخص مقدار مشخص و تعیین شده ای ارائه نشده است تا با محاسبه آن به تقسیم بندی کشورها پرداخت؛ اما مقادیر بالای این شاخص نشان دهنده اثرگذاری بیشتر انسان بر زیست محیط و کاهش میزان به زیستن است. افزایش مقدار این شاخص به مفهوم رتبه های پایین در توسعه پایدار و بالعکس می باشد.

ردپای اکولوژیکی خود شامل مصرف پنج بخش منابع توسط انسان است. مصرف انرژی، مصرف محصولات جنگلی، مصرف محصولات کشاورزی، مصرف غذای دریایی و زمین استفاده شده برای فضای زندگی و زیرساخت‌ها اجزاء این شاخص هستند. شاخص ردپای اکولوژیکی سرانه از سایت شبکه ردپای جهانی (GlobalFootprintNetwork)<sup>۵</sup> و امید به زندگی در بدو تولد از بانک داده‌های شاخص‌های بانک جهانی (WDI) برای تمام کشورها قابل استخراج است.

#### ۲.۴ روش مدل‌سازی آرما و پیش‌بینی متغیرها

همان‌طور که اشاره شد برای محاسبه شاخص شدت اکولوژیکی به زیستن از دو متغیر ردپای اکولوژیکی و امید به زندگی استفاده می‌شود. در این تحلیل با توجه به اینکه متغیر ردپای اکولوژیکی تا سال ۲۰۱۷ و متغیر امید به زندگی نیز تا سال ۲۰۱۹ در دسترس بوده اند، ابتدا برای هر یک از این متغیرها با استفاده از روش مدل‌سازی سری زمانی آرما تا سال ۲۰۲۲ پیش‌بینی انجام شده است.

مدل خودهمبسته میانگین متحرک (Autoregressive Moving-Average:ARMA) مدلی است که برای سنجش و پیش‌بینی مقادیر آتی سری‌های زمانی استفاده می‌شود. این مدل‌ها به صورت رابطه کلی زیر نوشته می‌شوند:

$$X_t = c + \varepsilon_t + \sum_{i=1}^p \varphi_i x_{t-i} + \sum_{i=1}^q \theta_i \varepsilon_{t-i}$$

در این رابطه که برای مدل ARMA(p,q) نوشته شده است، اجزا رابطه به شکل زیر تعریف می‌شوند:

$X_t$ : متغیر وابسته (متغیری که قصد پیش‌بینی مدل برای آن وجود دارد).

$\varepsilon_t$ : مقدار خطای مدل

P: مرتبه خودهمبستگی

q: مرتبه میانگین متحرک

برای برآورد این مدل‌ها از روش حداقل مربعات یعنی مینیمم کردن مقادیر خطای مدل استفاده می‌شود و برای یافتن مقادیر مناسب p و q می‌توان از رسم نمودار توابع خودهمبستگی نسبی (Partial Autocorrelation Function) برای p و رسم نمودار توابع خودهمبستگی (Autocorrelation Function) برای q بهره جست. در واقع، روش تعیین بهترین مدل در سری

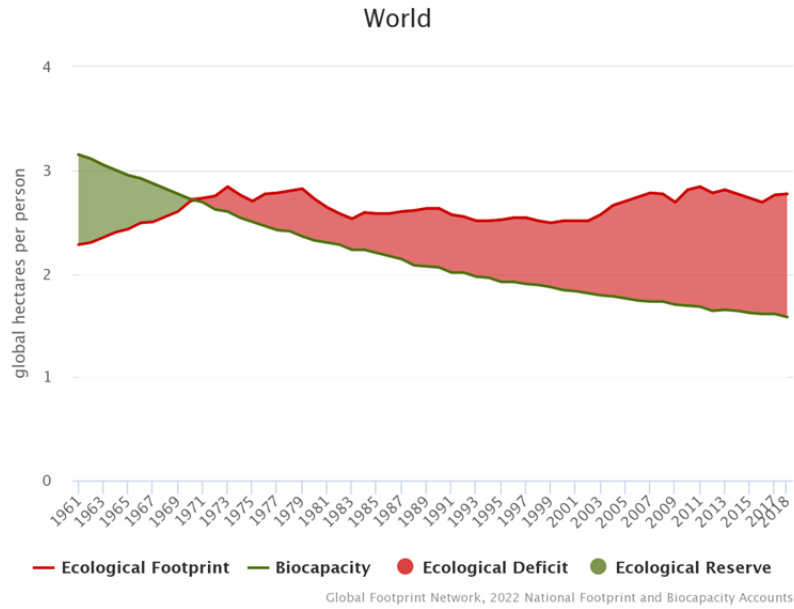
زمانی آرما، بررسی نمودارهای خودهمبستگی و خودهمبستگی جزئی مدل و مقایسه ی مدل های ممکن با استفاده از شاخص های AIC و BIC (Bayesian Information Criterion) بوده است. هر دو از معیارهای ارزیابی مدل هستند که علاوه بر میزان درستنمایی (Likelihood) به تعداد پارامترها و تعداد مشاهدات نیز توجه دارند و برای انتخاب مدل استفاده می شوند. همچنین برای استفاده از مدل آرما ایستا بودن مدل بررسی می شود و اگر نیاز به ایستا کردن مدل باشد با تفاضل گیری این کار انجام می شود. (گجراتی، ۱۴۰۰)

در این مطالعه برای هر یک از متغیرهای ردپای اکولوژیک و امید به زندگی به صورت مجزا مدل آرما برازش داده شده و این روند با استفاده از بسته های نرم افزاری TSA و forecast در نرم افزار R انجام شده است. پس از برازش مدل مقادیر مورد نظر تا سال ۲۰۲۲ پیش بینی شده است. در ادامه به کمک مقادیر این دو متغیر، مقدار شاخص EIWB محاسبه شده است.

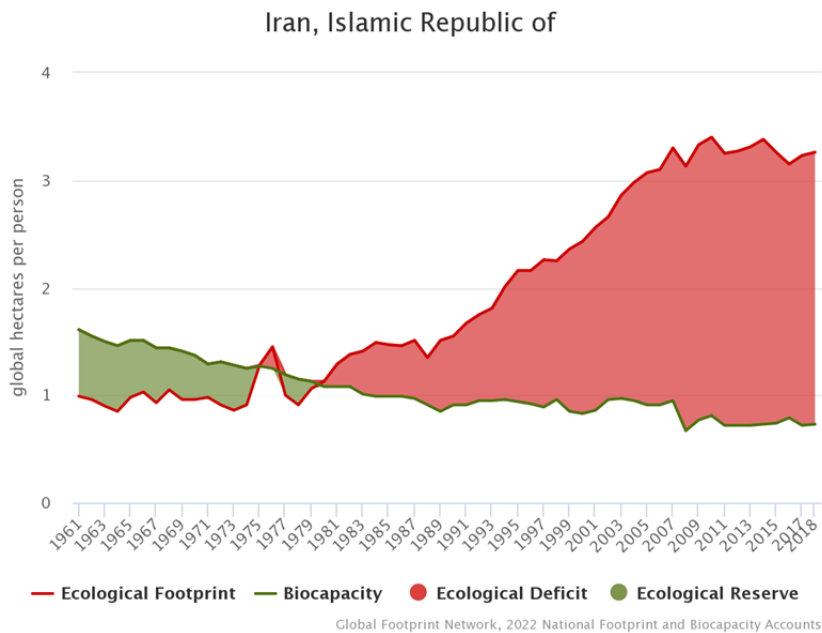
##### ۵. نتایج: توسعه پایدار در ایران از منظر شاخص شدت اکولوژیکی به زیستن

در قرن حاضر، دستیابی به توسعه پایدار از اهداف بلندمدت هر جامعه می باشد. در ایران برای دستیابی به این هدف براساس سند چشم انداز ۱۴۰۴، جایگاه اول اقتصادی علمی و فناوری در سطح منطقه، در نظر گرفته شده است. دستیابی به این هدف نیازمند توجه به هر دو بعد توسعه از منظر شاخص شدت اکولوژیکی به زیستن دارد. در این راستا مطالعه حاضر، مقدار این شاخص را برای ایران برای چند دهه گذشته محاسبه نموده و نتایج را در ادامه تحلیل می کند.

با مراجعه به شبکه ردپای جهانی می توان میزان ردپای اکولوژیکی در جهان و کشورهای مورد نظر را دنبال کرد. در ادامه دو نمودار مربوط به این شاخص در جهان و ایران ارائه می شوند.



نموار ۱. ردپای اکولوژیکی در جهان، منبع: شبکه ردپای جهانی



نموار ۲. ردپای اکولوژیکی در ایران منبع: شبکه ردپای جهانی

در نمودارهای فوق:

ردپای اکولوژیکی: Ecological Footprint

ظرفیت زیستی: Biocapacity

کسری اکولوژیکی: Ecological Deficit

مازاد اکولوژیکی: Ecological Reserve

همان‌طور که از نمودارها مشخص است، بعد از دهه ۷۰ همواره جهان با کسری اکولوژیکی مواجه بوده و ردپای اکولوژیکی انسان بر کره زمین رو به افزایش است. میانگین ردپای ایران حدود ۰.۵ هکتار جهانی بیش از مقدار جهانی آن می‌باشد که نشان دهنده اثرگذار بودن بیشتر ایران بر زیست‌محیط نسبت به متوسط جهانی است که در دهه اخیر بر سرعت آن افزوده شده است.

حال با توجه به شاخص ردپای اکولوژیکی و در نظر گرفتن به‌زیستن و امید به زندگی، ابتدا پیش‌بینی داده‌ها برای سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ با توجه به پراکنش داده‌های سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۱۷ و مدل ARMA انجام شده و توابع خودهمبستگی این دو متغیر و نیز خروجی نهایی مدل بر مبنای روش تعیین بهترین مدل در سری زمانی آرما که بر اساس آن‌ها برآوردها انجام شده است در پیوست ارائه شده است. خروجی‌ها نشان می‌دهند که امید به زندگی  $ARIMA(3,1,1)$  و ردپای اکولوژیکی  $ARIMA(0,1,0)$  هستند یعنی در برآوردهای انجام شده متغیر امید به زندگی با یکبار تفاضل‌گیری ایستا شده و متغیر ردپای اکولوژیکی ایستا از مرتبه صفر می‌باشد. در خروجی‌ها مرتبه  $p$  و  $q$  به دست آمده و با توجه به مدل نهایی پیش‌بینی داده‌ها انجام شده است. شاخص شدت اکولوژیکی به‌زیستن در نهایت با استفاده از رابطه ارائه‌شده در روش‌شناسی، محاسبه شده و مقدار آن در کنار مقادیر دو متغیر دیگر در پیوست ارائه شده است. در زیر خلاصه‌ای از خروجی‌های مربوط به پیش‌بینی داده‌ها و نموداری از مقادیر EIWB که با استفاده از نرم افزار R به دست آمده است، ارائه شده است.

جدول ۱. ضرایب مربوط به برآورد مدل ARIMA برای LE

منبع: خروجی‌های حاصل از R در محاسبات مطالعه حاضر

متغیر	ar1	ar2	ar3	ma1	drift
ضریب	۲/۳۷۴۷	-۲/۰۵۹۱	۰/۶۴۸۸	۰/۵۶۴۷	۰/۳۳۸۱
انحراف معیار	۰/۱۹۶۹	۰/۳۶۲۴	۰/۲۰۰۴	۰/۱۸۷۱	۰/۰۴۸۰

جدول ۲. مقادیر مربوط به معیارهای انتخاب مدل برای LE  
منبع: خروجی‌های حاصل از R در محاسبات مطالعه حاضر

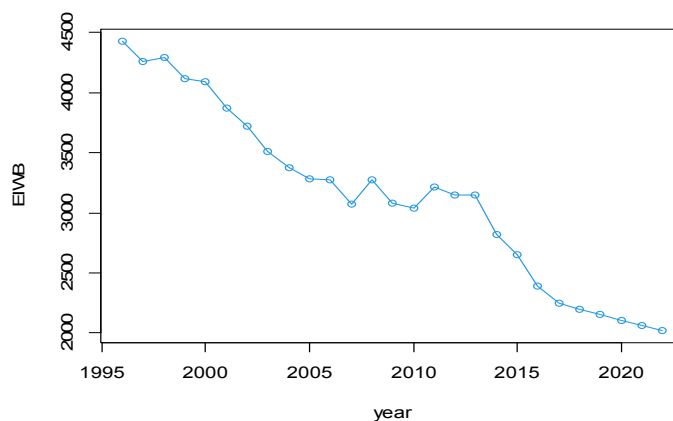
AIC	AICc	BIC	sigma <sup>2</sup>	log likelihood
-۱۴۷/۵	-۱۴۲/۲۵	-۱۴۰/۶۹	۰/۰۰۰۳۰۷۸	۷۹/۷۵

جدول ۳. ضرایب مربوط به برآورد مدل ARIMA برای EF  
منبع: خروجی‌های حاصل از R در محاسبات مطالعه حاضر

متغیر	drift
ضریب	۰/۱۰۸۹
انحراف معیار	۰/۰۳۰۰

جدول ۴. مقادیر مربوط به معیارهای انتخاب مدل برای EF  
منبع: خروجی‌های حاصل از R در محاسبات مطالعه حاضر

AIC	AICc	BIC	sigma <sup>2</sup>	log likelihood
-۱۹/۷۲	-۱۹/۰۶	-۱۷/۶۳	۰/۰۱۹۸۷	۱۱/۸۶



نمودار ۳. شاخص شدت اکولوژیکی در ایران  
منبع: نمودار حاصل از خروجی R در محاسبات مطالعه حاضر

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که در حدود سه دهه‌ی گذشته مقدار شاخص شدت اکولوژیکی به‌زیستن در ایران به مقدار قابل توجهی کاهش یافته است. اگرچه مقدار ردپای اکولوژیک در این سالها افزایش یافته اما از سوی دیگر بهبود امید به زندگی در طی این سالها توانسته است تاثیر مثبت در روند این شاخص بگذارد به نحوی که مقدار این شاخص پایداری را بیش از صد درصد کاهش داده است.

## ۶. نتیجه‌گیری

بعد از مطرح شدن لزوم توجه به محیط‌زیست از نیم قرن گذشته تاکنون، پیشرفت‌های زیادی در خصوص ارتباط بین زیست‌محیط و اقتصاد حاصل شده است. ارائه تعاریف کلیدی، مطرح‌شدن معیارهای اندازه‌گیری و راهکارهای بهبود وضعیت محیط زیست از آن دسته می‌باشند. با در الویت قرار گرفتن توسعه پایداری و لزوم توجه به آن در اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی، کمی کردن این پارادایم اهمیت بیشتری می‌یابد. شاخص‌هایی هم‌چون توسعه انسانی، پایداری محیط‌زیست، عملکرد محیط زیست و ردپای اکولوژیکی، به دلیل جامع‌تر بودن نسبی جایگاه و ویژه‌ای در بین شاخص‌های معرفی شده می‌یابند. اما همان‌طور که در مطالعه حاضر بیان شد، محدودیت‌هایی در شاخص‌های پیشین وجود دارد که سعی شده در شاخص شدت اکولوژیکی به‌زیستن رفع شود.

لذا دایتز و همکاران (Dietz et al.) (2012) با معرفی شاخص شدت اکولوژیکی به‌زیستن، با در نظر گرفتن اثرات اکولوژیکی و به‌زیستن انسان به طور هم‌زمان، شاخص‌های توسعه پایداری را گسترش می‌دهند. این‌گونه به نظر می‌رسد که یکی از مسیرهای بالقوه برای وجود یک رابطه پایداری با اکوسیستم و در واقع نزدیک‌تر شدن به توسعه‌ی پایداری کاهش «شدت اکولوژیکی به‌زیستن انسان» یعنی فشاری که به ازای هر واحد به‌زیستی انسان به محیط زیست تحمیل می‌شود، می‌باشد. در واقع درک رابطه بین به‌زیستن و فشاری که فعالیت اقتصادی بر محیط زیست وارد می‌کند، چالش اصلی تحقیقات پایداری است. شاخص جدید با در نظر گرفتن این دو در کنار هم نتایجی مهم ارائه می‌دهد که بر مطالعات آینده تأثیرگذار می‌باشد. محاسبه و تحلیل این شاخص می‌تواند به این پرسش پاسخ دهد که آیا کشورها می‌توانند به سطوح بالایی از به‌زیستن دست یابند در حالی که فشار نسبتاً کمی بر محیط‌زیست وارد می‌کنند؟ از آنجایی که تمایل کشورهای کم‌آلایند برای افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای در مسیر توسعه یک نقطه انسداده عمده در مذاکرات بین‌المللی

آب و هوا است، این یافته که انتشار گازهای گلخانه‌ای از بهبود به‌زیستن جدا است نه تنها یک علاقه علمی است، بلکه می‌تواند به بحث‌های سیاستی نیز کمک کند.

مطالعه حاضر سعی دارد تا شکاف مطالعاتی موجود در زمینه شاخص‌های اندازه‌گیری پایداری را رفع نموده و یک ارزیابی کمی در این زمینه انجام دهد و برای اولین بار در ایران شاخص شدت اکولوژیکی به‌زیستن را محاسبه کند. ابتدا پیش‌بینی داده‌ها برای سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۲۲ با استفاده از مدل‌های ARMA و نرم‌افزار R برای به روز بودن داده‌های شاخص شدت اکولوژیکی به‌زیستی انجام شده است. سپس مقدار این شاخص با استفاده از داده‌های مربوط به امید به زندگی و ردپای اکولوژیک برای سال‌های ۱۹۶۱ تا ۲۰۲۲ محاسبه و در پیوست ارائه شده است.

اطلاعات مرتبط با ردپای اکولوژیکی نشان می‌دهند که در مقیاس جهانی همواره کره زمین با کسری اکولوژیکی روبه‌رو بوده است و ایران نیز نه تنها از این قاعده مستثنی نبوده که میزان این کسری به مقدار قابل توجهی بیشتر از مقدار جهانی آن می‌باشد. اما نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که اگرچه ردپای اکولوژیکی در ایران در حدود سه دهه‌ی گذشته روبه افزایش بوده است، مقدار شاخص شدت اکولوژیکی به‌زیستن در ایران به مقدار قابل توجهی کاهش یافته است. از آنجا که شاخص EIWB در کنار ردپای اکولوژیک امید به زندگی را نیز به عنوان معیاری از به‌زیستن در نظر می‌گیرد، می‌توان گفت این متغیر توانسته است در طی این سالها تاثیر مثبت در روند این شاخص بگذارد به نحوی که مقدار شاخص پایداری را بیش از صد درصد کاهش داده است.

در نهایت، با توجه به این موضوع که EIWB یک شاخص برای توسعه پایدار و پایداری است، نتایج می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا با تحلیل این شاخص بر چگونگی تأثیرگذاری بر پایداری تمرکز کنند. با این حال، باید در نظر گرفت که موفقیت در سیاست‌گذاری‌ها متکی به تطبیق آنها با شرایط خاص اکولوژیکی، سیاسی، اقتصادی کشورهای مورد نظر است. در این مطالعه، با ارزیابی نتایج اتخاذ شده این‌گونه به نظر می‌رسد که، برای بهبود شرایط موجود که با توجه به شاخص مورد مطالعه، کاهش فشار بر زیست‌محیط و نیز افزایش کیفیت به‌زیستن را در بر دارد، باید آگاهی‌های بیشتری نسبت به جنبه‌های اکولوژیکی و اجتماعی-اقتصادی توسعه کسب نمود. در گام بعد در نظر گرفتن این مورد در اتخاذ هرگونه سیاست کلان اقتصادی توصیه می‌شود. رشد اقتصادی بدون کسب رتبه قابل قبول در زمینه محیط‌زیست، در جهان امروزی از جایگاهی برخوردار نیست.



### شدت اکولوژیکی به زیستن ... (زهراروحانی نقاب و دیگران) ۹۳

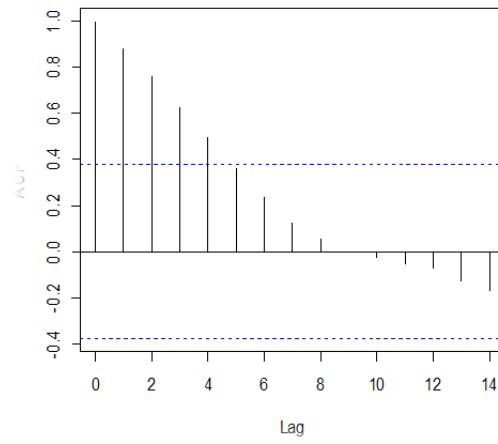
کاهش شاخص اکولوژیکی به زیستن می تواند از طریق ردپای اکولوژیک و نیز افزایش امید به زندگی انجام شود. در میان پنج جزء تشکیل دهنده ردپای اکولوژیک، در ایران، می توان به کنترل و کاهش مصرف انرژی که شامل سوخت های فسیلی می باشد اشاره نمود. اگرچه سیاست های موجود در این زمینه در قوانین و اسناد بالادستی مانند سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف، سند ملی راهبرد انرژی کشور تا افق ۱۴۱۴، سند چشم انداز وزارت نیرو ۱۴۰۴ و دیگر برنامه ها، قرار گرفته است، اما تحقق آن مستلزم برنامه ریزی یکپارچه انرژی در کشور با رویکرد توسعه پایدار می باشد. چرا که موفقیت در برنامه ریزی انرژی فرآیندی مستمر و سیستماتیک بوده که نیازمند نهادی متمرکز برای برنامه ریزی و نظارت بر اجرای دقیق آن می باشد. در زمینه بخش دیگر شاخص پایداری، امید به زندگی، می توان به تاثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و محیطی موثر بر آن در کنار هزینه های سلامت اشاره کرد. *مطالعات انجام شده در این زمینه نشان می دهد که بهبود شرایط درآمدی، بهداشتی و زندگی منجر به بالارفتن امید به زندگی می شود (متقی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۶).*

در پایان معتقدیم این مطالعه بدون محدودیت نیست. در حالی که جدیدترین شاخص معرفی شده برای اندازه گیری پایداری استفاده شده است و مولفه های اندازه گیری به طور گسترده ای از پذیرفته شده ترین معیارهای اندازه گیری هستند، مطالعات بیشتر برای اعمال کمیت های دیگری برای اندازه گیری به زیستن مانند نرخ مرگ و میر نوزادان، نرخ مرگ و میر زیر پنج روز، نرخ فقر یا معیارهای جدید دیگر پیشنهاد می شود. همچنین در زمینه ردپای اکولوژیکی پیشنهاد می شود که جزئیات بیشتری در رابطه با ردپای انسان مانند ردپای هسته ای اضافه شود. بررسی عوامل موثر بر پایداری با توجه به شاخص جدید و همچنین پیش بینی EIWB با توجه به اهمیت مسائل زیست محیطی که کشورها در قرن حاضر با آن مواجه هستند، می تواند مکمل خوبی برای این مطالعه باشد.

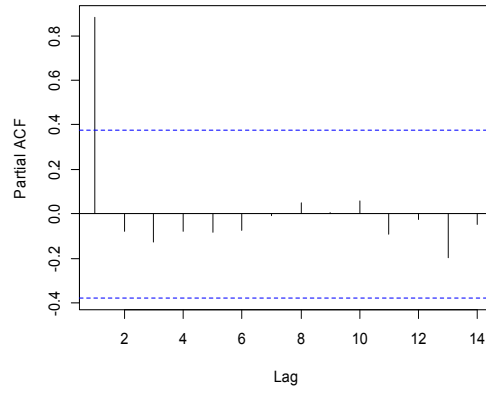
پیوست

پیوست شماره یک: نمودارهای نرم افزار مربوط به مدل توابع خودهمبستگی

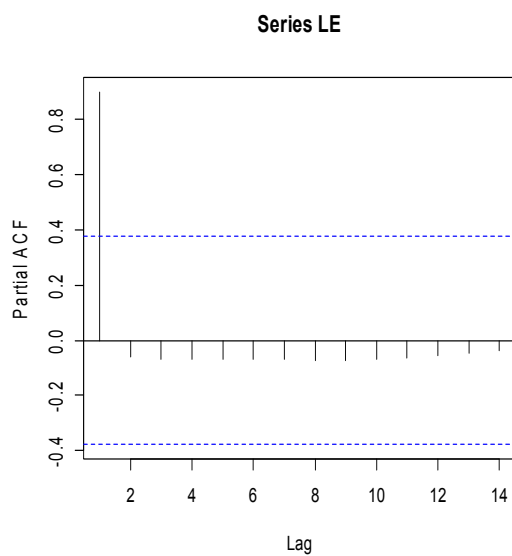
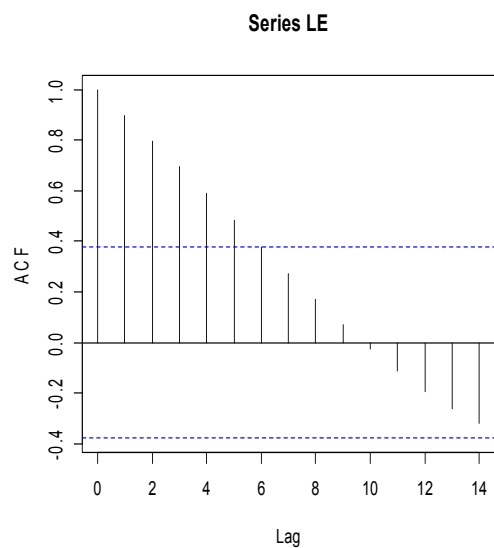
Series EF



Series EF



شدت اکولوژیکی به زیستن ... (زهرا روحانی نقاب و دیگران) ۹۵



پیوست شماره دو: خروجی های نرم افزار مربوط به مدل ARMA

Series: LE\_var  
ARIMA(3,1,1) with drift  
Coefficients:  
ar1 ar2 ar3 ma1 drift

2/3747 -2/0591 0/6488 0/5647 0/3381  
s.e. 0/1969 0/3624 0/2004 0/1871 0/0480  
sigma^2 = 0/0003078: log likelihood = 79/75  
AIC=-147/5 AICc=-142/25 BIC=-140/69  
ME RMSE MAE MPE MAPE MASE  
Training set 0/002030484 0/01519468 0/007570057 0/003093207 0/01061799  
0/02207853  
ACF1  
Training set -0/00546299  
Series: EF\_var  
ARIMA(0,1,0) with drift  
Coefficients:  
drift  
0/1089  
s.e. 0/0300  
sigma^2 = 0/01987: log likelihood = 11/86  
AIC=-19/72 AICc=-19/06 BIC=-17/63  
Training set error measures:  
ME RMSE MAE MPE MAPE MASE ACF1  
Training set 8/676777e-05 0/1343891 0/09806982 -0/4146158 3/198089 0/6981014  
0/1485231

پیوست شماره سه. داده‌ها و محاسبات مربوط به شاخص شدت اکولوژیکی  
به‌زیستن

year	LE	EF	EIWB
1996	68/791	2/017763	4428/987
1997	69/139	2/108518	4254/858
1998	69/471	2/098661	4290/662
1999	69/813	2/19519	4117/569
2000	70/176	2/218298	4091/039
2001	70/553	2/352732	3873/303
2002	70/921	2/458764	3721/238
2003	71/265	2/614192	3513/149
2004	71/592	2/730108	3375/964
2005	71/917	2/820423	3279/382
2006	72/257	2/835497	3273/939
2007	72/626	3/031636	3074/296
2008	73/027	2/861429	3271/178
2009	73/457	3/056039	3076/939

## شدت اکولوژیکی به زیستن ... (زهرا روحانی نقاب و دیگران) ۹۷

2010	73/905	3/107268	3040/627
2011	74/352	2/955427	3211/971
2012	74/776	3/032055	3144/78
2013	75/162	3/042924	3146/232
2014	75/502	3/404048	2822/447
2015	75/796	3/640497	2647/206
2016	76/047	4/040477	2391/362
2017	76/271	4/304048	2250/125
2018	76/479	4/412918	2199/326
2019	76/677	4/521789	2150/752
2020	76/87495	4/63066	2104/46
2021	77/0843	4/739531	2060/536
2022	77/31435	4/848401	2019/012

## پی‌نوشت‌ها

۱. برگرفته شده از رساله دکتری زهرا روحانی نقاب

2. Collapse: How societies choose to fail or succeed.

۳. برای اطلاعات بیشتر به مجموعه مقالات دایتز و همکاران ۲۰۰۹-۲۰۱۷ مراجعه شود.

4. The Worldly Philosopher: The Lives, Times and Ideas of the Great Economic Thinkers

5. [www.footprintnetwork.org](http://www.footprintnetwork.org)

## کتاب‌نامه

ارجمند نیا، (۱۳۸۰). "جای پای بوم شناختی، رهیافتی نو در ارزیابی تأثیر انسان بر محیط زیست"، فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۶. تابستان ۱۳۸۰.

بانویی، علی اصغر و همکاران، ۱۳۹۲، "سنجش ردپای بوم شناختی زمین در بخشهای مختلف اقتصادی ایران با استفاده از رویکرد جدول داده- ستانده"، فصلنامه سیاست گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهرا (س).

پرمن، راجر، یوما و جیمز مک گیل ری (۱۳۹۴)، "اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی"، ترجمه ی حمیدرضا ارباب، نشر نی.

- پوراصغر سنگاچین، فرزاد، صالحی، اسماعیل و محمدرضا مثنوی (۱۳۸۹)، "مقایسه تطبیقی-تحلیلی روش‌های سنجش توسعه پایدار"، پژوهش‌های محیط‌زیست، سال ۱، شماره ۱، صص ۶۷-۸۲.
- جمعه پور، محمد، حاتمی نژاد، حسن، شهانواز، س. (1392). "بررسی وضعیت توسعه ی پایدار شهرستان رشت با استفاده از روش جای پای اکولوژی". نشریه پژوهش‌های انسانی. ۹. صفحات ۲۳۹-۵۳۵.
- حسین زاده دلیر، کریم، ساسان پور، فرزانه، ۱۳۱۵، "روش جای پای اکولوژیکی در پایداری کلان شهرها با نگرشی بر کلان شهر تهران"، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳.
- خسرویگی، رضا، شایان، حمید، سجادی قیداری، حمدالله و صادقلو، طاهره. ۱۳۹۰. "سنجش و ارزیابی پایداری در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک تصمیم گیری چند متغیره فازی-تاپسیس"، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره اول، صص ۱۸۵-۱۵۱.
- دایاموند، جرد (۱۳۹۶)، "فروپاشی، چگونه جوامع راه فنا یا بقا را برمی‌گزینند"، ترجمه فریدون مجلسی، انتشارات نشرنو.
- ساسان پور، فرزانه (۱۳۹۱)، "بررسی پایداری کلان شهر تهران با روش جای پای بوم شناختی"، پایان‌نامه دکتری به راهنمایی دکتر کریم حسین زاده دلیر، دانشگاه تبریز.
- ستوده، احد، پوراصغر سنگاچین، فرزاد، ۱۳۱۹، بررسی گزارش‌های شاخص پایداری.
- سرای، محمد، زارعی، فرشاد (۱۳۸۵)، "جای پای بوم شناخت، EF به عنوان شاخص سنجش پایداری اجتماعات"، مجله محیط شناسی. سال سی و پنجم. شماره ۰۵. تابستان ۸۸ صص، ۷۳-۱۶.
- صفرعلی زاده، اسماعیل، حسین زاده رباب و مجید اکبری (۱۳۹۶)، "تحلیل کارایی نسبی کشورهای خاورمیانه از لحاظ شاخص‌های توسعه پایدار"، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۸، شماره پیاپی ۲۹.
- کولا، ارحان (۱۳۹۳)، "اقتصاد منابع طبیعی، محیط زیست و سیاست‌گذاری‌ها"، ترجمه سیاوش دهقانیان و فرخ دین قزلی، انتشارات دانشگاه.
- متقی، سمیرا (۱۳۹۳)، "عوامل موثر بر امید به زندگی در کشورهای منتخب اسلامی (بر اساس گروه‌های همگن درآمدی)"، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۵۵، صص ۱۸۵-۲۰۵.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن (۱۳۸۰)، "راهبردهایی در ارتباط با تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار"، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، بهار.
- هایلبرونر، رابرت (۱۳۹۳)، "بزرگان اقتصاد: زندگی، زمانه و عقاید فیلسوفان این جهانی"، ترجمه احمد شهسا، انتشارات کتیبه، چاپ چهارم.

- Environmental Law and Policy, and Center for International Earth Science Information Network, 51-55. Geneva, Switzerland: Global Leaders of Tomorrow World Economic
- Arrow, Kenneth, Bert Bolin, Robert Costanza, Partha Dasgupta, Carl Folke, C. S. Holling, Bengt-Owe Jansson, Simon Levin, Karl-Goran Maler, Charles Perrings, David Pimentel, "Economic growth, carrying capacity, and the environment," *Science*, Vol. 268 (April 28, 1995), pp. 520-521.
- Barry Ness; Evelin Urbel-Piirsalu; Stefan Anderberg and Lennart Olsson, (2007), Categorising tools for sustainability assessment, *Ecological Economics*, 60, (3), 498-508.
- Beckerman, Wilfred, "Economic growth and the environment: Whose growth? Whose environment?" *World Devtment*, Vol.20, No.4(1992), pp.481-496. □
- Cardoso da Silva, José Maria, Han Li, Luís Claudio Fernandes Barbosa (2020), "The ecological intensity of human well-being at the local level", *Environmental and Sustainability Indicators*, Volume 8, 100061, <https://doi.org/10.1016/j.indic.2020.100061>.
- Daly, H., (1990) Toward some operational principles of sustainable development. *Ecol. Econ.* 2, 1-6. DOI: 10.1016/0921-8009(90)90010-R.
- Daly, H., 2008. A Steady-state Economy. UK Sustainable Development Commission.
- Dasgupta, p, and Heal, G.M. (1974), "the optimal depletion of exhaustible resources." *Review of Economic Studies*, Symposium, May, pp. 3-28.
- Dasgupta, S., B. Laplante, and H. Wang (2002), 'Confronting the environmental Kuznets curve', *Journal of Economic Perspectives* 16: 147-168.
- Dietz T, Jorgenson AK (2013) *Structural human ecology: new essays in risk, energy, and sustainability*. Washington State University Press, Pullman
- Dietz T, Jorgenson AK (2015) Towards a new view of sustainable development: human well-being and environmental stress. *Environ Res Lett* 9:031001
- Dietz, Thomas, Eugene A. Rosa & Richard York (2009), "Environmentally Efficient Well-Being: Rethinking Sustainability as the Relationship between Human Well-being and Environmental Impacts", *Human Ecology Review*, Vol. 16, No. 1, 2009 © Society for Human Ecology.
- Dietz, Thomas, Eugene A. Rosa & Richard York (2012), "Environmentally efficient well-being: Is there a Kuznets curve?", *Applied Geography* 32, 21e28.
- Elkington, J. 1999. *Cannibals with Forks: Triple Bottom Line of 21st Century Business*. Gabriola Island, BC, Canada: New Society Publishers.
- Forum.
- Gray, L.C. (1913), Rent under the assumption of exhaustibility. *Quarterly Journal of Economics*, 28, 466-489.
- Grossman, G.M., & Krueger, A. B. (1993), "Economic Growth and the Environment", *The Quarterly Journal of Economics*, 110(2), 353-377.

- Hill, Terrence D, Andrew K. Jorgenson, Peter Ore, Kelly S. Balistreri, Brett Clark (2019), "Air quality and life expectancy in the United States: An analysis of the moderating effect of income inequality", *SSM - Population Health* 7, 100346.
- Hottelling, Harold (1931), "The Economics of Exhaustible Resources", *Journal of Political Economy*, Vol. 39, No. 2 (Apr., 1931), pp. 137-175.
- Hottelling, Harold (1931), "The Economics of Exhaustible Resources", *Journal of Political Economy*, Vol. 39, No. 2 (Apr., 1931), pp. 137-175.
- Jorgenson AK, Burns TJ (2007), "The political-economic causes of change in the ecological footprints of nations, 1991–2001: a quantitative investigation". *Soc Sci Res* 36:834–853
- Jorgenson AK, Dietz T (2015) Economic growth does not reduce the ecological intensity of human well-being. *Sustain Sci* 10:149–156
- Kitzes, J., Peller, A., Goldfinger, S., & Wackernagel, M. (2007). Current methods for calculating national ecological footprint accounts. *Science for Environment & Sustainable Society*, 4, 1e9.
- Lamb, William F. and Julia K. Steinberger (2018), "Human well-being and climate change mitigation", *WIREs Clim Change* 2017, e485.
- Mayer, Adam (2017), "Democratic institutions and the energy intensity of well-being: a cross-national study", *Mayer Energy, Sustainability and Society*
- Min, J. and N.D. Rao (2017) Estimating uncertainty in household energy footprints. *Journal of Industrial Ecology*. DOI: 10.1111/jiec.1267
- Min, J. and N.D. Rao (2017), "Estimating uncertainty in household energy footprints", *Journal of Industrial Ecology*.
- Parris, T.W. and R.W. Kates. 2003. Characterizing and measuring sustainable development. *Annual Review of Environment and Resources* 28, 13.1-13.28.
- Pearce, D.W., Barbier, E. and Markkyanda, A. (1991), "Sustainable Development: Economics and the Environment in the third world, Edward Elgar, Aldershot.
- Pezzey J. (1992), "Sustainability: an interdisciplinary guide. *Environmental Values* 1, 321-362.
- Roberts J T and Grimes P E 1997 Carbon intensity and economic development 1962–1971: a brief exploration of the environmental Kuznets curve *World Dev.* 25 191–8
- Singh H, Singh AK, Kushwaha HL, Singh A. (2007). Energy consumption pattern of wheat production in India. *Energy*. 32(10):1848e54.
- Singh, R.K., Murty, H.R., Gupta, S.K., and Dikshit A.K. (2009). An overview of sustainability assessment methodologies. *Ecol Ind*:9:189–212.
- Wackernagel, M., Monfreda, C., Schulz, N. B., Erb, K.-H., Haberl, H., & Krausmann, F. (2004). Calculating national and global ecological footprint time series: resolving conceptual challenges. *Land Use Policy*, 21.



شدت اکولوژیکی به زیستن ... (زهرا روحانی نقاب و دیگران) ۱۰۱

Wackernagel, M., Schultz, N. B., Deumling, D., Linares, A. C., Jenkins, M., Kapos, V., et al. (2002). Tracking the ecological overshoot of the human economy. *Proceedings of the National Academy of Sciences, USA*, 99, 9266e9271. Wiedmann, T., Minx, J., Barrett, J., & Wackernagel, M. (2006). Allocating ecological footprints to final consumption categories with input-output analysis. *Ecological Economics*, 56, 28e48.

William F. Lamb and Julia K. Steinberger (2017); “ Human well-being and climate change mitigation” *WIREs Clim Change* 2017, e485. doi: 10.1002/wcc.485.

Winpenny (1991), “Policy appraised and the Environment, A Guide for Government Departments. HMSO, London.

Winpenny, J.T (1991), “Values for the environment”, HMSO, London.